

جلب گردد.»<sup>(۴۴۵)</sup>

اما دیگر فرصت اجرای این دستورالعمل‌ها از دست رفته بود، زیرا در همان روز ۲۶ فوریه ۱۹۱۷ / ۴ جمادی الثانی ۱۳۳۵، در پی بحرانی شدن اوضاع بین‌النهرین، علی احسان‌پاشا فرمان یافت ایران را از قشونش تخلیه کند. نظام‌السلطنه و نمایندگان سیاسی آلمان و عثمانی نیز به عقب‌نشینی از ایران مجبور گردیدند. به این ترتیب نه تنها بر روی نقشه‌های نادرلنی، بلکه بر روی هر چیزی که به نحوی خواسته شرکت‌کنندگان آن ماجرا نبود، خط بطلان کشیده شد.

اگر در این بررسی که تمرکز آن بر روی داده‌های سیاسی است، روی کشاکش‌های نادرلنی و نظام‌السلطنه زیاد تأکید گردید، می‌توان موضوع را به این صورت توجیه کرد که این‌گونه کشاکش‌ها را بایستی به عنوان یکی از دشواری‌هایی تلقی کرد که نادرلنی مانند پیشینیان خود با آن دست به‌گریبان بود. این موضوع از این لحاظ اهمیت دارد که نادرلنی «متماثل به دنباله‌روی از عثمانی‌ها نبود»<sup>(۴۴۶)</sup> و از آغاز دنبال این شعار بود که «آلمان باید مسئولیت خطرهای احتمالی ناشی از عملیات در ایران را به گردن گیرد».<sup>(۴۴۷)</sup> سرانجام همه تلاش‌های نادرلنی در برابر عثمانی‌ها، در معرض شکست قرار گرفت. اما نباید منکر این حقیقت شد که نادرلنی برای نخستین‌بار توانست به سیاست آلمان در ایران نظم و ترتیب دهد و به عبارت دیگر، با فرستادن گزارش‌های درست به وزارت خارجه آلمان، تصویر درستی از واقعیت‌های موجود در ایران را به مقام‌های برلین ارائه دهد و با این کار خود اشتباه‌های گذشتگان را از جهت فرستادن خبرهای نادرست جبران کند. نظریات نادرلنی فراتر از نیازهای زمان جنگ و شاید بسیار بلندپروازانه بود. درباره سیاست آلمان در ایران نه تنها به ادامه هم‌کاری این کشور با کشور متبوعش پس از جنگ امید داشت، بلکه عقیده داشت ایران در دوره سرنوشت‌سازی از تاریخ خود قرار گرفته است و تلاش‌های این کشور برای اصلاحات نیاز به هدایت و راه‌نمایی دارد.<sup>(۴۴۸)</sup>

### بخش پنجم:

تخلیه کلی ایران و انحلال سفارت آلمان در مه ۱۹۱۷ / جمادی الاول ۱۳۳۵

درحالی که عثمانی‌ها به سبب کمی نیروی نظامی برای حفظ مواضع خود در ایران با دشواری روبه‌رو بودند، انگلیسی‌ها در اوایل زمستان خود را برای یورش به بین‌النهرین آماده می‌ساختند.<sup>(۴۴۹)</sup> در ابتدای ژانویه ۱۹۱۷ / اواخر ربیع الاول ۱۳۳۵ حمله طرح‌ریزی شده آن‌ها به کوت‌العماره آغاز شد. در ۲۴ فوریه / ۲ جمادی الاول، عثمانی‌ها کوت‌العماره را تخلیه کردند.<sup>(۴۵۰)</sup> و بغداد نیز مورد تهدید قرار گرفت. از این رو خلیل‌پاشا تصمیم گرفت برای نگاه‌داری بغداد، فوج سیزدهم مستقر در ایران را فراخواند.<sup>(۴۵۱)</sup> در ۲۶ فوریه / ۴ جمادی الاول، علی احسان‌پاشا فرمانده نیروی ترک در ایران، مأمور تخلیه خاک ایران شد.<sup>(۴۵۲)</sup> روز بعد ژنرال گرمسمن به سرگرد لوین که مأمور تشکیل ژاندارمری بود، تلگرافی اطلاع داد از راه کرکوک به سوی موصل عقب‌نشینی کند.<sup>(۴۵۳)</sup> اعضای دولت موقت نظام‌السلطنه و نمایندگان سیاسی در کرمانشاه نیز عقب‌نشستند<sup>(۴۵۴)</sup> و برای این‌که اعتماد عمومی مردم سلب نشود، بانک آلمان همه پول‌های کاغذی را پیش از ترک کرمانشاه با پول مسکوک تعویض کرد.<sup>(۴۵۵)</sup>

عقب‌نشینی از کرمانشاه اوضاع را به هم ریخت. مردم که از این دوره رضایتی نداشتند، رویه‌ای انفعالی در پیش گرفتند. عده بسیاری از سربازان ایرانی از خدمت گریختند؛<sup>(۴۵۶)</sup> چندان که در ۱۷ مارس / ۲۳ جمادی الاول،

تنها ۵۰۰ نفر در فوج و ۱۰۰۰ نفر در ژاندارمری باقی مانده بود<sup>(۴۵۷)</sup> و هنگام گذشتن از مرز، به سبب ترس از عثمانی‌ها این عده بیش‌تر کاهش یافت.<sup>(۴۵۸)</sup> نادولنی در ۶ مارس / ۱۲ جمادی الاول، به قصر شیرین و در ۱۷ مارس / ۲۳ جمادی الاول، به کرکوک رفت. نظام‌السلطنه و طرف‌داران او نیز همین کار را کردند.<sup>(۴۵۹)</sup> تخلیه ایران تقریباً هم‌زمان و به‌طور کامل انجام پذیرفت،<sup>(۴۶۰)</sup> اما فراخواندن و رسیدن فوج سیزدهم برای دفاع از بغداد بسیار دیر بود، چه آن شهر در ۱۱ مارس / ۱۷ جمادی الاول، سقوط کرد. عثمانی‌ها در آن وقت تنها جاژه سامره - دلی عباس را در دست داشتند.<sup>(۴۶۱)</sup> علی احسان پاشا که بخش اعظم فوج سیزدهم را به ارتش عثمانی منضم ساخته بود، بخشی از نیروی باقی مانده خود را در خانقین و بخش دیگر را برای دفاع از آن در گردنه پاتاق متمرکز کرد،<sup>(۴۶۲)</sup> ولی آن‌ها نیز با عقب‌نشینی به سوی شمال، راه‌های ارتباطی مهم بغداد - ایران را به زودی تسلیم انگلیسی‌ها کردند.<sup>(۴۶۳)</sup> روس‌ها با نیروی سواره‌نظام خود در کرمانشاه، نخست به آرامی، و سپس با یورش بر آساز سنندج و پنج‌ویں به سوی جنوب بانه یورش بردند.<sup>(۴۶۴)</sup> ظاهراً قصدشان این بود که ارتش در حال عقب‌نشینی عثمانی را از دو جناح در مخاطره اندازند.

ژنرال گرسمن نظامیان آلمانی متعلق به «سپاه عراق» را در موصل جمع کرد. بقیه فوج‌های ایرانی، فرماندهی شوکت‌بیگ، ژاندارم‌ها و افسران سوئدی و آلمانی،<sup>(۴۶۵)</sup> به سلیمانیه فراخوانده شدند. در این میان عثمانی‌ها تلاش می‌کردند ژاندارمری را باز زیر فرمان خود درآورند و همین کار سبب اختلاف نظر میان آن‌ها و آلمانی‌ها شد، زیرا آلمانی‌ها در این باره پیوسته بر قراردادهایی که میان خود بسته بودند، پافشاری می‌کردند و با نقشه عثمانی‌ها مخالف بودند.<sup>(۴۶۶)</sup>

در راه کرکوک به سفارت خبری رسید که به رغم ناراحتی ناشی از تخلیه دوباره ایران، پرتو امیدی در دل آلمانی‌ها تأیید. بی‌سیم سفارت این خبر را از رویتر دریافت کرد که تزار روسیه در تاریخ ۱۵ مارس از قدرت کناره گرفته

است. به این ترتیب آلمانی‌ها گمان کردند که می‌توان به انقلاب روسیه و تأثیر آن در قشون روسی مستقر در ایران امید بست.<sup>(۴۶۷)</sup> نادولنی در کرکوک از خبر روی‌دادهای روسیه استفاده کرد و کوشید ایرانیان را که زیر تأثیر آن روی‌دادها قرار گرفته بودند، مجدداً به اقدام‌هایی علیه روس‌ها ترغیب کند. او پیش از آن منشی سفارت را به عنوان رابط با ایل سنجابی مأمور کرده بود. از این گذشته، دروغل مترجم و زایلر نیز به ترتیب در کفری و یا سلیمانیه باقی مانده بودند و قرار بود ارتباط آلمانی‌ها با ایران توسط آن‌ها صورت بگیرد.<sup>(۴۶۸)</sup>

اما با تخلیه ایران و سقوط بغداد، یا به عبارت دیگر از میان رفتن موضوع مشترک آلمان و عثمانی، باز این پرسش مطرح شد که آیا ادامه عملیات آن دو کشور، و اصولاً شرکت آلمان در عملیات مربوط به ایران، امکان‌پذیر است یا نه. نادولنی برای گفت‌وگو در این باره در اواخر مارس / اوایل جمادی الثانی، در موصل، به دیدار ژنرال گرسمن رفت.<sup>(۴۶۹)</sup>

نادولنی و گرسمن در تبادل نظرها به این نتیجه رسیدند که به وزارت خارجه و ستاد کل ارتش آلمان پیش‌نهاد کنند با وجود فرصت اندک برای اشغال دوباره بخش بیش‌تر ایران، عملیات مربوط به ایران «به لحاظ هدف‌های سیاسی و احساس وظیفه در پشتی‌بانی از ایرانیانی که وفادار مانده‌اند»<sup>(۴۷۰)</sup> بایستی ادامه یابد، اما شرکت نظامی ایران، با توجه به ضربه‌هایی که به آن وارد شده است، بهتر است محدود شود. به علاوه، آن‌دو پیش‌نهاد کردند در حالی که نمایندگی سیاسی آلمان باید به همان شکل باقی بماند، «سپاه عراق» آلمان منحل شود و عده‌ای از افسران، وظیفه آموزش ژاندارمری ایران را به عهده بگیرند.<sup>(۴۷۱)</sup>

در استانبول مقامات نظر دیگری داشتند. میان سرفرماندهی کل ارتش‌های آلمان و عثمانی درباره اشغال دوباره ایران توسط سپاه ششم و تصرف مجدد بغداد<sup>(۴۷۲)</sup> بحث‌ها شده و امیدهایی به وجود آمده بود. با موافقت کولمان،<sup>(۴۷۳)</sup> پس از تبادل نظر با عثمانی‌ها، ژنرال لوسو و افسر

تام‌الاختیار آلمانی با انحلال «سپاه عراق» مخالفت کرده بود. او معتقد بود با توجه به نقشه حمله دوباره به بغداد در فصل پاییز<sup>(۴۷۴)</sup> آن سپاه باید وجود داشته باشد.<sup>(۴۷۵)</sup> در آن وقت ژنرال لوسوو موافق با تمایل عثمانی‌ها، خواستار کنار گذاشتن نادولنی بود و به عقیده او عثمانی‌ها هم از تصمیم پیشین خود درباره فرستادن غالب‌بیگ به سمت نماینده سیاسی نزد نظام‌السلطنه<sup>(۴۷۶)</sup> عدول می‌کردند و فوزی‌بیگ را نیز به زودی از کار کنار می‌گذاشتند. بنابراین، از دیدگاه دولت عثمانی برپایی دوباره حکومت موقت، با شرایط کنونی، عملی «غیر ضروری و نامناسب» بود و حضور نماینده سیاسی نزد او کاری بی‌هوده بود؛ چه از نظام‌السلطنه اصولاً دعوت شده بود که با هوادارانش به استانبول بروند.<sup>(۴۷۷)</sup>

نادولنی اظهار نظرهای لوسوو را نشانی از «بدگمانی کور انورپاشا» و «گذشت‌های رایگان لوسوو»<sup>(۴۷۸)</sup> دانست. سرهنگ ف. هولزن<sup>۱</sup> که به جای نادولنی ریاست بخش سیاسی ستاد کل را عهده‌دار شده بود،<sup>(۴۷۹)</sup> بدگمانی نسبت به مقاصد عثمانی‌ها را به مقام‌های وزارت خارجه آلمان ابراز داشت و اظهار عقیده کرد که عثمانی‌ها از این راه می‌کوشند «آلمان را از صحنه عملیات ایران کاملاً بیرون بگذارند».<sup>(۴۸۰)</sup> از این رو پیش‌نهاد کرد موضوع برپایی پیش‌نهادهای نادولنی و گرسمن بررسی شود.<sup>(۴۸۱)</sup> نادولنی نیز در تأکید پیش‌نهادهایش استدلال می‌کرد چشم‌پوشی آلمان به سود عثمانی‌ها، در عملیات مربوط به ایران، آخرین امید دولت تهران را نقش بر آب می‌کند و گذشته از این‌که ایران از عثمانی فاصله می‌گیرد، حیثیت آلمان در آن کشور برای همیشه از میان می‌رود. ناگفته نماند که کولمان در این باره با نادولنی کاملاً هم‌عقیده بود.<sup>(۴۸۲)</sup>

سپس دشمنی‌های پیشین در کرکوک از سر گرفته شد. زیرمن که تحت تأثیر تخلیه ایران بود، بار دیگر از نادولنی خواست هم‌کاری با عثمانی‌ها را

ادامه دهد.<sup>(۴۸۳)</sup> خود نادولنی هم در آن اثناء دریافته بود که نظام‌السلطنه سر عقل آمده و کنار آمدن با او ممکن شده.<sup>(۴۸۴)</sup> فوزی‌بیگ از سروصدا افتاده بود<sup>(۴۸۵)</sup> و اکنون نوبت لوین بود که بر سر مسئله ژاندارمری با نظام‌السلطنه درگیر شود.<sup>(۴۸۶)</sup> چندی نگذشت که میان نادولنی و نظام‌السلطنه باز مناقشه درگرفت. ظاهراً نظام‌السلطنه با ترتیب‌های تازه پرداخت پول که نادولنی پیش‌نهاد کرده بود، موافقت نداشت<sup>(۴۸۷)</sup> و کار به جایی کشید که نظام‌السلطنه خشم‌گین شد و در ۱۹ آوریل / ۲۶ جمادی الثانی، بدون آن‌که با نادولنی خداحافظی کند، همراه با فوزی‌بیگ به موصل رفت و بنابه میل فرماندهی قشون، مقدمات انتقال ایرانی‌ها و سفارت آلمان در آن شهر قبلاً آماده شده بود.<sup>(۴۸۹)</sup> چندی نگذشت که نادولنی و اعضای سفارت راهی آن شهر گردیدند.<sup>(۴۹۰)</sup>

اما چون موصل منطقه جنگی بود، قرار شد ایرانیان به شهر حلب منتقل شوند و نظام‌السلطنه و طرف‌دارانش به اجابت دعوت سلطان عثمانی به استانبول بروند.<sup>(۴۹۱)</sup> احتشام‌السلطنه به کولمان سفارش کرد از نظام‌السلطنه به طرز شایسته‌ای استقبال شود،<sup>(۴۹۲)</sup> اما نه به عنوان نماینده شاه ایران.<sup>(۴۹۳)</sup> گویان‌که دولت عثمانی از پذیرفتن او به عنوان نماینده شاه ایران روی‌گردان بود. هنگامی که نظام‌السلطنه در ۱۹ مه / ۲۷ رجب، وارد حیدرپاشا گردید، تنها مورد استقبال فرماندهان محلی قرار گرفت و در میان پیش‌بازکنندگان، هیچ‌یک از اعضای دولت عثمانی یا سفارت ایران نبود.<sup>(۴۹۴)</sup>

با سفر نظام‌السلطنه به استانبول و انحلال دولت موقت، سفارت آلمان در ایران جا را برای عثمانی‌ها باز کرد، اما نادولنی قصد داشت که هم‌چنان در موصل باقی بماند، زیرا برپایی خبرهای رسیده از دروغل و زایلر، که در ایران بودند، گویا روس‌ها تدارک عقب‌نشینی از کرمانشاه را می‌دیدند. نادولنی بدون آن‌که عثمانی‌ها و ایرانی‌ها را از قصد خود آگاه کند،<sup>(۴۹۵)</sup> برای بازگشت به ایران آماده می‌شد.<sup>(۴۹۶)</sup> از این رو لوین را به ژاندارمری مستقر در سلیمانیه مأمور کرد تا با توجه به تغییر اوضاع، موضوع اقدام در ایران را «محرمانه» با

ژاندارمری بررسی کند.<sup>(۴۹۷)</sup> اما لوین پس از ورود به سلیمانیه دریافت که روس‌ها به هیچ وجه در اندیشه بازگشت از کرمانشاه نیستند و اساساً نشانه‌ای از اغتشاش در لشکریان روسیه یا انحلال آن دیده نمی‌شود.<sup>(۴۹۸)</sup> خلاصه آن‌که نظریات و انتظارات نادولنی درست به نظر نمی‌رسید؛ به عکس اطلاعات موجود حکایت از آن داشت که انگلیسی‌ها در کرمانشاه، که راه ورود بغداد به ایران است، استقرار یافته و سازمان دادن ژاندارمری زیر فرمان افسران انگلیسی را آغاز کرده‌اند.<sup>(۴۹۹)</sup>

کولمان که تلگراف‌های نادولنی درباره ایران را به‌طور مرتب دریافت می‌کرد، از جهت دست زدن به اقدام شتاب‌زده در ایران، به او هشدار داد<sup>(۵۰۰)</sup> و پیش‌نهاد پیشین خود را درباره انتقال سفارت آلمان به موصل تکرار کرد. به عقیده او چون انتقال سفارت به ایران در کوتاه‌مدت ناممکن بود، حضور آن در قلمرو عثمانی نیز مناسب نداشت.<sup>(۵۰۱)</sup> بنابراین به کاردار توصیه کرد به برلین بازگردد.

مقام‌های وقت وزارت خارجه آلمان، به پیش‌نهاد کولمان و لوسوو، و موافقت سرفرماندهی کل ارتش،<sup>(۵۰۲)</sup> به این نتیجه رسیده بودند که با از کار افتادن حکومت موقت نظام‌السلطنه، و با توجه به اوضاع بین‌النهرین، وجود نمایندگی سیاسی آلمان در ایران دیگر زاید است و بنابراین نادولنی با موافقت سرفرماندهی کل ارتش، در ۷ مه ۱۹۱۷ / ۱۵ رجب ۱۳۳۵ از کار برکنار شد و سفارت آلمان در تهران نیز منحل گردید. اما «سپاه عراق» هنوز برقرار بود و اندکی بعد دروغل مترجم، و بلوشر دبیر سفارت، که نظامی بودند، به آن سپاه منتقل شدند.<sup>(۵۰۳)</sup> ووسترو که از هنگام تسلیم گزارش خود به گولتس در مارس ۱۹۱۶ / جمادی الاول ۱۳۳۴<sup>(۵۰۴)</sup> دیگر به محل مأموریتش بازنگشته بود، به سمت کنسول آلمان در موصل منصوب شد.<sup>(۵۰۵)</sup>

کش‌مکش‌های دامنه‌دار آلمان و عثمانی بر سر ژاندارمری، که زمانی آخرین عامل اجرای عملیات احتمالی در ایران بود، سرانجام سبب

فروپاشی آن نیرو در ژوئیه ۱۹۱۷ / رمضان - شوال ۱۳۳۵ گردید<sup>(۵۰۶)</sup> و هم‌زمان با آن، فرمان انحلال «سپاه عراق» نیز صادر شد،<sup>(۵۰۷)</sup> چون علمیات «ایلدرم» برای تصرف دوباره بغداد به فرماندهی ژنرال فون فالکنهاین ایجاب می‌کرد که یک نیروی آلمانی به عنوان نیروی تقویتی به کار گرفته شود.<sup>(۵۰۸)</sup>

روسی در تصمیم‌های دولت کورنسکی تأثیر بگذارند.<sup>(۵۱۲)</sup> تقی‌زاده و وحیدالملک در اعلامیه پرشورشان با عنوان «خطاب ملت ایران به کنگره بین‌المللی سوسیالیست‌ها» به نام وکلای مجلس شورای ملی ایران و رهبران انقلاب مشروطه آن کشور، از سیاست روسیه و انگلیس که پیوسته در حال مکیدن شیرۀ ایران بودند، شکایت کردند و لغو قرارداد ۱۹۰۷ روسیه و انگلیس و برقراری دوباره استقلال سیاسی و اقتصادی ایران را درخواست نمودند.<sup>(۵۱۳)</sup>

در آن وقت تصوّر عمومی این بود که می‌شود برای کسب استقلال، دست به کار شد. کابینه وثوق‌الدوله در ۲۵ مه ۱۹۱۷ / ۳ شعبان ۱۳۳۵ ساقط گردید<sup>(۵۱۴)</sup> و کابینه تازه به ریاست علاء‌السلطنه تشکیل شد. مستوفی‌الممالک نیز در این دولت، عضویت داشت.<sup>(۵۱۵)</sup> کابینه تازه از به رسمیت شناختن پلیس جنوب، که در شیراز از سوی سرپرسی سایکس تشکیل شده بود، خودداری ورزید<sup>(۵۱۶)</sup> و در ضمن درخواست کرد که سپاه روسیه فوراً ایران را تخلیه کند و همه امتیازهای نظامی و اقتصادی‌ای که روس‌ها با زور به دست آورده‌اند، و نیز حق کاپیتولاسیون، هم‌زمان با اصلاح نظام حقوقی ایران، لغو گردد.<sup>(۵۱۷)</sup> حزب دموکرات نیز فعالیت خود را از سر گرفت،<sup>(۵۱۸)</sup> اما به زودی به دو دسته تشکیلیون به ریاست عدل‌الملک و ضد تشکیلیون به ریاست محمد کمره‌ای تقسیم شد. تشکیلیون خواستار استفاده سریع از امکانات ناشی از انقلاب روسیه بودند و ضد تشکیلیون آغاز فعالیت سیاسی را به بازگشت شخصیت‌های برجسته ملی‌گرا از آلمان و عثمانی موکول می‌کردند،<sup>(۵۱۹)</sup> اما با وجود اختلاف‌های موجود، دموکرات‌ها در انتخابات دوره چهارم مجلس، که در نوامبر ۱۹۱۷ / صفر ۱۳۳۶ در تهران برگزار شد، اکثریت قاطع به دست آوردند و تقی‌زاده، سلیمان میرزا و نواب<sup>(۵۲۰)</sup> دوباره به وکالت مجلس انتخاب شدند. به این ترتیب مبارزه علیه انگلیسی‌ها، که با سقوط وثوق‌الدوله از سر گرفته شده بود، بالا گرفت.<sup>(۵۲۱)</sup>

انتظار کاهش فشار روس‌ها به زودی عملی نشد؛ برعکس، با اعلامیه‌هایی

### بخش ششم: ایران و آلمان تا پایان جنگ

نقشه حمله فאלکنهاین برای تصرف دوباره بغداد در پاییز سال ۱۹۱۷ م / ۱۳۳۵ ه.ق، به سبب وضع مخاطره‌آمیز جبهه‌های فلسطین انجام نگردید<sup>(۵۰۹)</sup> و ایران برای مدتی، از نفوذ آلمان دور ماند.

سقوط بغداد و هم‌زمان با آن رستن عربستان از زیر یوغ عثمانی‌ها سبب دل‌سردی عمیق ایرانیان از دولت‌های مرکز شد. شرکت ایالات متحده در جنگ نیز این دل‌سردی را تشدید کرد. زومر که به عنوان آخرین تبعه آلمان در پناه سفارت آمریکا در تهران بود، پس از قطع مناسبات سیاسی آلمان و آمریکا، به محل سفارت آلمان در تهران بازگشت. در ژوئیه ۱۹۱۷ / رمضان - شوال ۱۳۳۵ اسپانیا حافظ منافع آلمان در ایران شد، تا این‌که سرانجام زومر در ۱۱ ژانویه ۱۹۱۸ / ۲۸ ربیع الاول ۱۳۳۶ اداره سفارت آلمان را مستقلاً به عهده گرفت.<sup>(۵۱۰)</sup>

انقلاب روسیه به زودی امیدواری ایرانیان را برانگیخت و محافلی چند، به این امید که انقلاب روسیه در ایران تأثیر بگذارد و بنیادهای امپریالیسم روسیه را سست کند، متوجه هم‌سایه شمالی شدند. تقی‌زاده و وحیدالملک که هنوز در برلین به سر می‌بردند، کوشیدند ندای آزادی‌طلبانه ایران را از راه کنگره سوسیالیست‌ها که در ژوئن ۱۹۱۷ / شعبان ۱۳۳۵ در استکهلم برگزار گردید، به گوش جهانیان برسانند،<sup>(۵۱۱)</sup> یا با تماس با سوسیالیست‌های

که در آغاز صادر شد،<sup>(۵۲۲)</sup> دولت کرنسکی سیاست تزاری را در ایران ادامه داد و نیروهای روسی را در ایران بیش‌تر تقویت کرد.<sup>(۵۲۳)</sup> در پاییز سال ۱۹۱۷ م / ۱۳۳۵ ه.ق، بدون آن‌که دستوری صادر شده باشد، نشانه‌هایی از فروپاشی آن نیروها پدیدار شد و اندکی بعد عقب‌نشینی آغاز گردید. چون نظم و ترتیب از قشون رخت بر بسته بود، ساکنان شمال و غرب ایران پس از اعلان‌های حاکی از اظهار برادری روس‌ها، با دورانی آکنده از وحشت اقدام‌های نیروهای افسارگسیخته روسی رویاروی شدند.<sup>(۵۲۴)</sup>

در اواخر ۱۹۱۷ م / اوایل زمستان ۱۳۳۶ ه.ق، به ویژه پس از گرسنگی و قحطی ناشی از مکیده شدن همه بنيه اقتصادی کشور توسط ارتش‌های بیگانه، اوضاع ایران بسیار مصیبت‌بار بود.<sup>(۵۲۵)</sup> علاوه بر آن، انگلیسی‌ها از خلأ حاصل از عقب‌نشینی روس‌ها و هرج و مرج موجود سود بُردند و موقعیت خود را در ایران محکم کردند. عملیات نابه‌جای انگلیسی‌ها سبب شد ایران باز چشم امید به روسیه بدوزد، به ویژه که شورای کمیسرهای روسیه پس از واژگونی دوباره اوضاع آن کشور، در نوامبر ۱۹۱۷ و در ۱۷ دسامبر همان سال، اعلامیه‌ای خطاب به زحمت‌کشان خلق روسیه و سایر خلق‌های خاورزمین، قرارداد تقسیم ایران را «ورق پاره و نابود شده» اعلان کرد و ایران را از تخلیه نیروهای خود مطمئن ساخت.<sup>(۵۲۶)</sup> اما آشفتگی‌های انقلاب روسیه، ایران را از پستی‌بانی بلشویک‌ها محروم کرد و ایران بی‌پناه یک‌سره اسیر دست انگلیسی‌ها شد، چندان که عین‌الدوله رئیس‌الوزرای ایران در اواسط ژانویه ۱۹۱۸ / نیمه دوم ربیع الاول ۱۳۳۶ به عنوان اعتراض به عملیات انگلیسی‌ها کناره‌گیری کرد.<sup>(۵۲۷)</sup> ناگفته نماند که پس از سقوط کابینه علاءالسلطنه، او در ۲۱ نوامبر / ۶ صفر، از سوی شاه مأمور تشکیل کابینه شده بود و وظیفه داشت مناسبات ایران و انگلیس را به سبب خطر تجاوز و حمله روسیه، بهبود بخشد.<sup>(۵۲۸)</sup>

فروپاشی روسیه تزاری، به عنوان کشور شریک در جنگ، سبب شد که در زمستان ۱۹۱۸ م / ۱۳۳۶ ه.ق، ایران بار دیگر وارد نقشه‌های سیاسی و

نظامی آلمان شود. البته آن‌گونه که ایرانی‌ها می‌خواستند شرکت فعلاًئه آلمان در تحولات ایران امکان نداشت، زیرا نمایندگان روسیه در گفت‌وگوهای مربوط به آتش‌بس، که در موصل برگزار شد، تقاضای آلمان را برای انتقال سفارت به تهران، در ژانویه ۱۹۱۸ رد کردند.<sup>(۵۲۹)</sup> آلمان در گفت‌وگوهای ۱۵ دسامبر / اول ربیع الاول، توانست نه‌تنها روسیه، بلکه عثمانی را نیز متعهد سازد نیروهای خود را از ایران بیرون ببرند (بخش ۱۰ موافقت‌نامه)<sup>(۵۳۰)</sup> و این تلاش از سوی ایرانیان مقیم آلمان و عثمانی با استقبال رویه‌رو گردید.<sup>(۵۳۱)</sup> اما مطبوعات انگلیسی این جریان را با سکوت برگزار کردند، یا آن‌که به گونه دیگری جلوه دادند.<sup>(۵۳۲)</sup> دولت ایران توسط وزیرمختارش در پترزبورگ بلافاصله به آن موافقت‌نامه استناد جست و درخواست کرد نیروهای روسی فوراً ایران را تخلیه کنند. تروتسکی در یادداشت ۴ ژانویه ۱۹۱۸ / ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۳۶ موافقت کرد که نه‌تنها سپاه روسیه، بلکه کلیه فرماندهان روسی بریگاد قزاق ایران هرچه زودتر از ایران اخراج شوند.<sup>(۵۳۳)</sup>

در قرارداد برست لیتووسک، مورخ ۳ مارس ۱۹۱۸ / ۱۹ جمادی الاول ۱۳۳۶ دولت رایش در برابر روسیه و عثمانی، تمایل خود را به حفظ استقلال ایران ابراز کرد و طرفین قرارداد را متعهد ساخت که استقلال سیاسی و اقتصادی و تمامیت ارضی ایران و افغانستان را به رسمیت بشناسند (ماده ۸).<sup>(۵۳۴)</sup> تروتسکی حتی پا را فراتر از این نهاد و به مأموریت از سوی شورای کمیسرها در ۲۷ ژانویه ۱۹۱۸ / ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶ اعلان کرد چون قرارداد ۱۹۰۷ روسیه و انگلیس با آزادی و استقلال ایران منافات دارد، بنابراین بدون اعتبار است. از این گذشته، قرارداد تکمیلی‌ای که در سال ۱۹۱۵ بسته شده بود و مفاد آن بدون ذکر نام معاهده قسطنطنیه در شماره ۱۷ نوامبر ۱۹۱۷ / اول صفر ۱۳۳۶ روزنامه یزوستیا فاش شده بود،<sup>(۵۳۵)</sup> ملغی اعلام گردید.<sup>(۵۳۶)</sup>

صلح میان دولت‌های مرکز با روسیه و خودداری بلشویک‌ها از دنبال کردن سیاست تزاری در ایران، ایرانیان را به زنده کردن استقلال کشور امیدوار ساخت. دولت ایران در ژانویه ۱۹۱۸ / ربیع‌الاول - ربیع‌الثانی

۱۳۳۶ کوشید ژاندارمری را زیر فرمان افسران سوئدی دوباره سازمان دهد، اما با آن‌که از این تلاش حمایت شد، مورد استقبال استکهلم قرار نگرفت.<sup>(۵۳۷)</sup> افکار عمومی در ایران در پی این بود که برای مقابله با انگلیسی‌ها کفه دولت‌های مرکز در ایران سنگین شود و عثمانی‌ها تشویق شدند که در ایران دست به اقدام‌هایی بزنند. پس، وانمود کردند که ماده قرارداد برست لیتووسک تنها بر اثر تلاش‌های ایشان در آن قرارداد گنجانیده شده است. اما واقعیت این بود که چون در آن وقت تنها نیروهای عثمانی در ایران بودند، آلمان و عثمانی هر دو توافق کرده بودند که در آن باره برای عثمانی‌ها حق تقدم قایل شوند، اما از آن‌جا که عثمانی‌ها از پس روس‌ها بر نمی‌آمدند، آلمان و عثمانی هم‌دستی کردند و نظر خود را درباره تخلیه ایران به کرسی نشانند. از قلب کردن این واقعیت گذشته، عثمانی‌ها در آن وقت به دولت ایران پیش‌نهاد کردند با دادن وام به ایران، یک نیروی نظامی ایرانی به فرماندهی افسران عثمانی در ایران تشکیل شود. این پیش‌نهاد از سوی دولت ایران رد شد، زیرا به نظر ملی‌گرایان ایرانی برداشتن چنین گامی، بدون موافقت و همکاری آلمان، پی‌آمدهای خطرناکی داشت.<sup>(۵۳۸)</sup>

اطمینان‌های پی‌آوری روس‌ها، عثمانی‌ها، و آلمانی‌ها درباره محترم شمردن استقلال ایران، و تعهد تخلیه آن کشور از نیروهای روسیه و عثمانی و لغو قرارداد ۱۹۰۷ و معاهده قسطنطنیه، که برای انگلیس اهمیت داشت، کشور اخیر را گرفتار موقعیتی بس نامناسب کرد. انگلیسی‌ها معاهده آخری را که روس‌ها با انتشار اسناد محرمانه فاش کرده بودند، ابتدا انکار کردند،<sup>(۵۳۹)</sup> اما بعدها با صدور اعلامیه‌های مغلطه‌آمیز آن را تأیید کردند.<sup>(۵۴۰)</sup> به این ترتیب مسلم بود انگلیس آمادگی نداشت مانند روس‌ها از ایران بیرون رود و استقلال این کشور را محترم بشمارد. تنها لرد کرزن در تاریخ ۲۱ ژانویه ۱۹۱۸ / ۷ ربیع الثانی ۱۳۳۶ در مجلس اعیان اظهار داشت دولت انگلیس قرارداد ۱۹۱۷ را موقتاً معلق می‌داند، اما بعداً آمادگی دارد کل موضوع را از نو بررسی کند. او در آن اظهارات اصلاً به تخلیه ایران از نیروهای انگلیس

اشاره نکرد<sup>(۵۴۱)</sup> و حضور پلیس جنوب را این‌گونه توجیه نمود که بدون حضور این نیرو، حاکمیت دولت ایران به مخاطره خواهد افتاد.<sup>(۵۴۲)</sup> این گفته‌های ضد و نقیض سبب خشم ایرانیان گردید. چهارده روز پس از این ماجرا، سلیمان میرزا، ملی‌گرای مشهور ایران و نایب رییس مجلس سوم، به سبب همکاری با آلمان، از سوی کنسول انگلیس در کرمانشاه دست‌گیر و به خانقین فرستاده شد.<sup>(۵۴۳)</sup> شور و هیجان ضدانگلیسی مردم ایران با این اقدام به سود ملی‌گرایان بالا گرفت. جو ضدانگلیسی با ترکیب کابینه مستوفی‌الممالک<sup>(۵۴۴)</sup> که در اواخر فوریه ۱۹۱۸ / اوایل جمادی الثانی ۱۳۳۶ پس از یک فترت یک ماهه تشکیل گردیده بود، مطابقت داشت. در آوریل / رجب، دولت تازه به یادداشت ۱۱ مارس / ۲۸ جمادی الثانی انگلیس پاسخ منفی داد. در آن یادداشت انگلیسی‌ها اظهار داشته بودند که نیروهای مستقر آنان در همدان تنها مأموریت دارند از ورود احتمالی جاسوسان آلمانی و عثمانی جلوگیری کنند، بنابراین دولت ایران نباید از این بابت نگران باشد. به علاوه، انگلیسی‌ها در آن یادداشت از دولت ایران می‌خواستند پلیس جنوب را به رسمیت بشناسد. پاسخ دولت ایران این بود که پلیس جنوب، به منزله یک نیروی بیگانه، استقلال و تمامیت ارضی ایران را تهدید می‌کند و ایران می‌خواهد انگلیس این کشور را به حال خود بگذارد تا دولت بتواند اصلاحات لازم را آغاز کند.<sup>(۵۴۵)</sup> پس از پاسخ ایران، عده‌ای از افراد پلیس جنوب از خدمت گریختند و عشایر نیز به ایجاد ناآرامی و قیام علیه سایکس و تشکیلات او دست زدند.<sup>(۵۴۶)</sup> دولت ایران توسط برخی از نمایندگان‌های خود در خارج، اعلام کرد همه معاهده‌ها و موافقت‌نامه‌های مغایر با استقلال و تمامیت ارضی ایران، از درجه اعتبار ساقط است.<sup>(۵۴۷)</sup>

در آن هنگام انگلیس به گسترش گام به گام نفوذ خود در مناطق شمالی ایران، که از نیروهای روسی تخلیه شده بود، پرداخت. علت این عمل انگلیسی‌ها فقط پیش‌گیری از اقدام‌های احتمالی عثمانی‌ها و آلمانی‌ها نبود، بلکه منظور این بود که یک اتحادیه ضدآلمانی و ضدعثمانی و طرف‌دار

خود، از مسلمانان قفقاز تا جنوب شرقی روسیه و قسمت‌های ارمنی‌نشین ایران، به عنوان هسته اصلی، تشکیل دهد<sup>(۵۴۸)</sup> و هم‌زمان با آن نیروی موتوری عظیمی به فرماندهی ژنرال دنسترویل<sup>۱</sup> در اواخر ژانویه ۱۹۱۸ / اوایل جمادی الثانی ۱۳۳۶ از بغداد به مقصد تفلیس، به سوی ایران حرکت کرد، اما تنها توانست به بندرانزلی برسد. در آن‌جا به سبب مقاومت بلشویک‌ها و داوطلبان ایرانی - یا جنگلی‌ها<sup>(۵۴۹)</sup> به رهبری میرزا کوچک‌خان - ناگزیر به عقب‌نشینی به سوی همدان گردید. نیروی دنسترویل در ماه ژوئن / رجب - شعبان، به سوی قزوین و انزلی راه افتاد و از آن‌جا به جانب باکو حرکت کرد تا منابع نفتی آن ناحیه را در برابر آلمانی‌ها و عثمانی‌ها حفظ کند.<sup>(۵۵۰)</sup> تفلیس نیز از قبل در دست نیروهای آلمانی و گرجی‌هایی بود که توانسته بودند با پشتیبانی آلمان، جمهوری مستقل گرجستان را در ۲۷ مه ۱۹۱۸ تشکیل دهند.<sup>(۵۵۱)</sup> به دنبال دنسترویل، نیروی نظامی دیگری به فرماندهی ژنرال مالسن<sup>۲</sup> که قبلاً در کمر بند امنیتی شرق، واقع در مرز ایران و افغانستان خدمت می‌کرد،<sup>(۵۵۲)</sup> از شهر مشهد به ترکستان فراخوانده شد تا با همکاری عشایر ترکمن، هند را در برابر بلشویک‌ها حفظ کنند.<sup>(۵۵۳)</sup>

نگرانی‌های انگلیس از عملیات تازه آلمان - عثمانی، در ایران و هند،<sup>(۵۵۴)</sup> بی‌پایه نبود، زیرا واژگونی اوضاع روسیه، امیدهای تازه‌ای برای اجرای نقشه‌های مربوط به هند برانگیخته بود. لودندورف سرفرمانده ارتش آلمان در ماه مه ۱۹۱۸ / رجب - شعبان ۱۳۳۶ تصمیم گرفت با کمک عثمانی و ملت‌های ماورای قفقاز، که برپایه قرارداد برست لیتووسک از زیر بار تسلط روس‌ها خارج شده بود، پای‌گاهی در نزدیکی دریای خزر تشکیل دهد و «با تأثیر گذاشتن در افغانستان، از آن‌جا به حاکمیت انگلیسی‌ها در هند ضربه بزند»<sup>(۵۵۵)</sup> بیرون راندن انگلیسی‌ها از ایران، نخستین گام در اجرای آن نقشه بود، اما وزارت خارجه آلمان با این نقشه مخالفت کرد.<sup>(۵۵۶)</sup> دلیل مخالفت این

1. Dunsterville

2. Malleson

بود که اختلاف‌های سیاسی آلمان و عثمانی در قفقاز، اتحاد دو کشور را به مخاطره می‌افکند. به هر حال این نقشه، که با توجه به وسایل اجرای آن، از حد توانایی آلمان و عثمانی فراتر بود، کنار گذاشته شد. در ضمن مسیر جنگ هم اجازه اجرای چنین نقشه‌ای را نمی‌داد.

هنگامی که عثمانی‌ها برخلاف قرارداد برست لیتووسک، برای اجرای نقشه‌های پان‌تورانیستی، باز به آذربایجان یورش آوردند و در ۲۷ ژوئن ۱۹۱۸ / ۱۸ رمضان ۱۳۳۶ تبریز را دوباره اشغال کردند، اختلاف‌های آلمان و عثمانی دیگر بار شدت یافت.<sup>(۵۵۷)</sup> یکی از پی‌آمدهای این اقدام، که دیگر نمی‌توانست هدف تجاوزگرانه عثمانی‌ها و انضمام ولایت زرخیز آذربایجان به عثمانی را پنهان سازد، این بود که میرزا کوچک‌خان که شعار «ایران برای ایرانی» را می‌داد و در ایران علیه انگلیسی‌ها مبارزه می‌کرد، از همکاری با عثمانی‌ها خودداری ورزید و در عوض با انگلیسی‌ها به تفاهم رسید. در ابتدای سپتامبر ۱۹۱۸ / اواسط ذی‌حجه ۱۳۳۶ او کلیه فرماندهان آلمانی و اتریشی را از کار برکنار کرد.<sup>(۵۵۸)</sup> عملیات پان‌تورانیستی عثمانی‌ها، گذشته از این‌که خشم ایرانیان را برانگیخت، به نقشه‌های آلمان نیز خسارت‌های زیادی وارد ساخت و سرانجام آلمان ناگزیر شد از استانبول بخواهد قرارداد برست لیتووسک را محترم بشمارد و استقلال ایران را مراعات نماید. سرانجام طلعت‌پاشا در ۲۳ اکتبر ۱۹۱۸ / ۱۷ محرم ۱۳۳۷ تعهدنامه‌ای امضاء کرد و متعهد شد عثمانی مفاد قرارداد برست لیتووسک را محترم بدارد و برای خودمختاری آذربایجان کوششی نکند.<sup>(۵۵۹)</sup>

شکست دولت‌های مرکز در جنگ، سبب شد که امید ایرانیان برای جلب پشتیبانی آلمان، در جهت جلوگیری از این‌که تحت‌الحمايه انگلیس باشند، نقش برآب گردد. انگلیسی‌ها در ابتدای اوت ۱۹۱۸ / اواخر شوال ۱۳۳۶ توانستند با پشتیبانی از وثوق‌الدوله<sup>(۵۶۰)</sup> و بدون مزاحمت دولت‌های دیگر، در قرارداد مورخ اوت ۱۹۱۹<sup>(۵۶۱)</sup> تقاضاهای اصلی خود را که در «قرارداد تصویب نشده سپهدار»<sup>(۵۶۲)</sup> آورده بودند، مویه‌مویه اجرا بگذارند؛ با وجود



این، هنگامی که انگلیسی‌ها برخلاف همه قول و قرارهای راجع به احترام به استقلال ایران، با شرکت هیئت نمایندگی ایران که به پاریس رفته بود تا دعاوی ایران را طرح کند، مخالفت کردند، بر شدت جوّ ضدانگلیسی در ایران افزودند.<sup>(۵۶۳)</sup> در ضمن به تقاضای انگلیس، دولت ایران در نوامبر ۱۹۱۹ / صفر - ربیع الاول ۱۳۳۸ فهرست سیاهی، حاوی نام ۷۳ تن آلمانی، که اول از همه نام کانتیس ناپدید شده در آن آمده بود، به همراه نام ۱۰ تن اتریشی، ۱۳ تن سوئدی، ۵ تن سویسی و یک تن ترک، انتشار داد. به سبب فعالیت‌هایی که این افراد به هنگام جنگ در ایران کرده بودند، ورودشان به این کشور، تا مدت ۱۰ سال ممنوع اعلام شده بود.<sup>(۵۶۴)</sup>

در سال ۱۹۱۹ م به نظر می‌رسید انگلیس که در زمان جنگ کم‌ترین سهم را در کمک به ایران داشت، از میدان مبارزه بر سر ایران، به عنوان تنها فاتح بیرون آمده و موقعیت آن در مقایسه با پیش از جنگ، از استحکام بیش‌تری برخوردار شده است. آلمان و روسیه به عنوان رقبای انگلیس از صحنه بیرون رفته بودند و ایران خود را از لحاظ نظامی و سیاسی در چنگ انگلیس گرفتار می‌دید.

ایران تنها کشوری بود که رنج و مصیبت اصلی ناشی از جنگ را در آن منطقه تحمل کرده بود. لشگرهای بیگانه در خاک این کشور با یک‌دیگر به نبرد برخاسته و ویرانی‌های بسیار به بار آورده بودند. دولت‌های مرکز که ملی‌گرایان ایرانی به پیروزی آن‌ها دل بسته بودند، شکست خورده بودند و تنها انگلیس بود که خاک ایران را به اشغال خود درآورده بود. با سروسامان یافتن اوضاع در روسیه شوروی، ملی‌گرایان ایرانی بار دیگر فعال شدند و با ادامه تضاد سیاسی میان روسیه و انگلیس امکان یافتند با اتکاء به روسیه خود را از فشار انگلیس آزاد سازند، زیرا قرارداد ۱۹۱۹ انگلیس و ایران، هیچ‌گاه به تصویب نرسید و سرانجام با تحولات بعدی گامی در راه تأمین استقلال ایران برداشته شد.

## فرجام سخن

سخنان مشهور اما نابه‌جای قیصر ویلهلم دوم، در مراسم یادبود سلطان صلاح‌الدین، در سال ۱۸۹۸ م در دمشق ایراد شد. قیصر در سخنان خود گفت که دوست ۳۰۰ میلیون مسلمان جهان است. تنها پی‌آمد این سخنان، توجه به موقعیت آلمان در میان مسلمانانی که زیر سلطه دولت‌های بزرگ قرار داشتند نبود، بلکه پی‌آمد آن تأثیر ژرف‌تر و واکنش‌های بیش‌تر بود. گذشته از این سخنان، پیش‌روی شتاب‌ناک نیروی تجاوزگر نظامی و رشد سریع قدرت اقتصادی رایش آلمان، ستایش همگانی مسلمانان را برانگیخت. به علاوه، احساس یگانگی مسلمانان و آلمان چنان پشتوانه‌ای در جهان اسلام ایجاد کرد که سود آن در ۱۹۱۴ م عاید آلمان گردید. تصور متحد شدن دشمنان آلمان با یک‌دیگر، برپا شدن ناآرامی در جهان اسلام، آسیب‌پذیری انگلیس در آب‌راه سوئز و هند، سروصدای اعلان جهاد، ارتباط برلین به بغداد و بالأخره مربوط شدن راه هامبورگ به بصره و غیره، هرکدام به تنهایی اهمیت چندانی نداشت، اما با توجه به اوضاع و احوال زمان، مجموعه آن تصورات به صورت حلقه‌های یک زنجیر یک‌پارچه درآمد و توجه قیصر، ستاد کل ارتش، و وزارت خارجه آلمان را به سوی مناطق اسلامی جلب کرد و کوشش شد که آن منطقه به صورت کانون عملیات علیه روسیه و انگلیس درآید. موج شعارهای اتحاد اسلامی، که عثمانی‌ها مطرح می‌ساختند، بایستی شعله‌های

قیام را در ایران برمی افروخت و افغانی‌ها را به یورش تحریک می‌کرد و در خود هند قیامی علیه انگلیسی‌ها به راه می‌افتاد. در آن میان، موضوع اقتصاد نیز مطرح شد. عملیات تجاری راینهارد - مانسمان<sup>۱</sup> در مراکش و فون هولتسندورف<sup>۲</sup> رییس خط هامبورگ - امریکا که سراسر منطقه خلیج فارس را فرامی‌گرفت، آغاز گردید. این سازمان‌های تجاری طرح‌های اقتصادی‌ای را که محصول خط آهن بغداد بود، تکمیل می‌کردند. با شدت گرفتن برخوردهای نظامی، طرح‌های اقتصادی و هدف‌های پس از جنگ، موقتاً در پشت صحنه باقی ماند و هدف‌های بلندمدت، به هدف‌های کوتاه و پراکنده ساختن نیروی دشمن، به منظور کاهش فشار جبهه‌های جنگ اروپا، تبدیل شد و ایران که در آن وقت چون پلی به سوی هند و افغانستان به شمار می‌آمد، اهمیت بسیار یافت. در آغاز به سبب این که ناتوانی ایران در زمینه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی مورد ارزیابی درست قرار گرفته بود، به ایران کم ارج نهاده می‌شد، اما با تلاش‌های مقدماتی سفارت آلمان در تهران، علاقه‌مندی ملت ایران به آلمان و سرانجام ایجاد شکاف در هیئت تحقیقاتی افغانستان، این ارزیابی‌ها تغییر کرد و جای خود را به نظریات امیدبخشی داد.

با گسیل هیئت افغانستان به ایران، که نقش آن در تحولات این کشور بیش‌تر از افغانستان بود، یکی از ماجراجویانه‌ترین روی‌دادهای زمان جنگ پدیدار شد. اگرچه نقشه این ماجرا به هدف نهایی، که همانا به راه انداختن شورش در هند بود، دست نیافت، اما ناآرامی عظیمی در ناحیه فرات تا سند ایجاد کرد. از ویژگی‌های تلاش هیئت، هنرنمایی‌های پیش‌بینی نشده، شیفتگی نسبت به محیط، هم‌راه با نداشتن شناخت نسبت به آن، هیجان‌های مبالغه‌آمیز برای دست یازیدن به هدف، به کار گرفتن حداکثر توانایی‌های انسانی و بالأخره نداشتن درک درست از واقعیت‌ها بود. همان نکته‌ای

1. Mannesmann

2. Holtzendorff

که بعدها یکی از بازی‌گران آن ماجرا عنوان «نقش چندگانه برای ایجاد یک نمایش در جنگ بزرگ» را بر آن نهاد.

با نگاهی به سیر عملیات آلمانی‌ها در ایران، می‌توان سه مرحله کاملاً متمایز را تشخیص داد: ۱. زمانی دراز که هیئت اعزامی بدون داشتن رهبر واقعی، برای رسیدن به هدف نهایی، در افغانستان کوشش می‌کرد؛ ۲. دوره روئس - کانتیس - گولتس و تلاش‌های جدی آلمان برای کشیدن پای ایران به جنگ و سرانجام شکست این تلاش‌ها؛ ۳. کوشش آلمان در دادن نظم و جهت دوباره به سیاست نوین خود در ایران، در قالب هم‌کاری با دولت عثمانی.

کوشش آلمان برای رهبری عملیات هیئت تحقیقاتی افغانستان، که این رهبری در اصل به عهده عثمانی‌ها گذاشته شده بود و فعالیت‌های نخستین کاردار سفارت آلمان در تهران، سیاست آلمان در ایران را با دشواری‌های سخت و پیچیده‌ای روبه‌رو ساخت. ناکامی هم‌کاری آلمان و عثمانی در هیئت افغانستان، سبب شد همه فعالیت‌های آلمان در آن سوی مرز عثمانی، از تلاش‌های عثمانی‌ها، که به موازات فعالیت‌های آلمان صورت می‌گرفت، یک‌سره جدا شود. پس از اقدامات نخستین و امیدبخش مقام‌های سفارت در ایران، دیگر هیچ‌گاه درباره امکانات دستیابی به اهداف، و نیز درباره تعیین حد و مرز فعالیت آلمان در ایران، یا هدف آشکار آن فعالیت‌ها، تحقیق نشد. در زمان صلح، نه در وزارت خارجه و نه در ستاد کل ارتش آلمان، هیچ‌گاه جزئیات عملیات نظامی آن منطقه در بوته ارزیابی واقعی گذاشته نشده بود و در نتیجه، تلاش‌هایی که بر پایه شناخت اندک واقعیت‌ها و نداشتن توجه کافی به برنامه‌ریزی عملیات صورت گرفت، به جایی رسید که ارگان‌های اجرایی با تصمیم‌هایی روبه‌رو شدند که مقام‌های سفارت آلمان در تهران گرفته بودند و آن تصمیم‌ها از حد شناخت آن‌ها نسبت به امور ایران فراتر بود. بنابراین، آن ارگان‌ها، و هم‌چنین مقام‌های رایش، ناگزیر شدند به دنباله‌روی از مقام‌های سفارت ادامه دهند.

ایران در آستانه جنگ، کشوری بود که همه رمقش را روسیه و انگلیس مکیده بودند و توان خود را از دست داده بود. بنابراین، تلاش‌های سیاسی آلمان، که اندک اندک در حال شکل گرفتن بود، به این جهت کشیده شد که تنها نیروی تغییرپذیر ایران، یعنی ژاندارمری را به سوی خود جلب کند و آن را سازمان دهد. آلمان با اتکا به بی‌طرفی ایران، که طبعاً به سبب حضور نیروهای روسی به آن خدشه وارد شده بود، و به پشتیبانی افسران سوئدی، ژاندارمری را ابزار اجرای مقاصد خود کرد. آلمان دولت و مردم ایران را که به آلمانی‌ها گرایش داشتند تشویق کرد تا به هواخواهی آلمان درگیر جنگ شوند، تا به این ترتیب راه نفوذ آلمان به افغانستان و هند نیز هموار گردد. روشن است این نقشه که به ویژه رویس از آن پشتیبانی می‌کرد، هنگامی به نتیجه می‌رسید که مقدمات آن به تدریج فراهم می‌شد و تأمین این مقدمات مشروط به باز شدن راه بسته بالکان بود. از خوبی‌های این نقشه یکی این بود که با توجه به همه جوانب، پنهان‌کاری و در پرده ماندن فعالیت‌های آلمانی‌ها را میسر می‌ساخت.

اما این نقشه با عملیات بی‌پرده و هیجان‌زده اعضای هیئت اعزامی به افغانستان، که در سراسر ایران پخش شده بودند، در معرض نقض قرار گرفت و آن هیئت بدون آن‌که منتظر بماند شرایط برای شورش موفقیت‌آمیز در ایران آماده شود، عملیاتش را در جهت ایجاد تحولات سریع هدایت کرد. تردیدی نبود که عملیات هیئت افغانستان، با تأثیر گرفتن از نیروی فعال اعضای هیئت و ایرانیانی که زود می‌شد آنها را به جوش و خروش واداشت، به بی‌راهه رفته بود. کنت کانیتس وابسته نظامی سفارت آلمان که در ابتکار نقشه وزیرمختار آلمان سهیم بود، به زودی راهش را از راه مصوب جدا کرد و برای پیروزی سریع‌تر، توجه خود را به عشایر معطوف داشت. او با سپردن تعهدهایی درباره پخش پول و جنگ‌افزار و مهمات، از ایشان قول گرفت سوارانشان را در اختیارش بگذارند؛ قولی که به سادگی ممکن نبود. با آن‌که از همان آغاز جنگ معلوم بود، از سوارهای عشایری در برابر ارتش منظم، آن

هم بیرون از محیط بومی و منطقه بیلاق - قشلاقشان، کاری ساخته نیست، باز کانیتس متوجه خطای خود نشد و توجه اصلی‌اش را به ژاندارمری به عنوان تنها نیروی نظامی منظم ایران معطوف نساخت. رعایت نکردن سلسله‌مراتب، در میان دست‌اندرکاران، و دشواری‌های موجود در مبادله به موقع اخبار و اطلاعات، در میان مقام‌های آلمانی مقیم ایران و گردانندگان برلین، یکی دیگر از مشکلات بود؛ چه با وجود چنین کم‌بودهایی، هر نقشه‌ای درباره عملیات سریع، یا در پیش گرفتن سیاست گام به گام، آسیب می‌دید. ناگفته نماند که نامعلوم بودن زمان باز شدن راه بالکان، نقش مهمی در این کار داشت، زیرا با بسته ماندن این راه، امکان رسیدن کمک از آلمان نبود و عثمانی که خود از همه سو درگیر بود، توانایی فرستادن هیچ‌گونه کمکی نداشت. از این گذشته، اگر عثمانی پشتیبانی هم می‌کرد، چون پشتیبانی‌اش در پرتو شعار «نپذیرفتن مسئولیت و قبول نکردن خطرهای ناشی از آن بود»، قابل اطمینان نبود.

تلاش‌هایی که عثمانی‌ها به دل‌خواه خود در ایران می‌کردند، به فعالیت‌های آلمان ضربه زیادی می‌زد. آلمان با ملی‌گرایان ایرانی، که پس از انقلاب مشروطه در صحنه ظاهر شده بودند، در تماس بود و کوشش‌های ملی‌گرایانه را ترغیب می‌کرد، اما عثمانی‌ها به تبلیغات پان‌اسلامیستی متوسل می‌شدند، حال آن‌که در بطن خود این تبلیغات، تمایلات تجاوزکارانه پنهان بود. این تبلیغات هیچ‌گاه با استقبال ایرانیان شیعی مذهب روبه‌رو نمی‌شد. تحریک‌های عثمانی‌ها در میان اهالی سنی مذهب بخش‌های غربی ایران، و نیز عملیات ناهنجار رئوف‌بیگ در اطراف کرمانشاه، با وجود پاره‌ای موفقیت‌های محلی زودگذر، گذشته از آن‌که نتوانست احساسات مذهبی ایرانیان شیعی را برانگیزد، سهل است، خشم ایرانیان، حتی ایرانیان صادق و صمیمی را برانگیخت. از این گذشته، آن تبلیغات، موضع بی‌طرفانه ایران در برابر روسیه و انگلیس را با دشواری روبه‌رو کرد. خلاصه آن‌که عثمانی‌ها با اعمالشان، برای آلمانی‌های هم‌پیمان، بدنامی آوردند.

تحریکات اعضای تحقیقات افغانستان، که در ایران پراکنده بودند و تبلیغ درباره پیروزی‌های آلمان در حمله تابستانی علیه روس‌ها، احساسات آلمان دوستی و ضدانگلیسی - ضدروسی ایرانیان را در آخر تابستان ۱۹۱۵ م / ۱۳۳۴ ه.ق، به اوج خود رسانید و این‌جا بود که تلاش‌های هیئت مزبور، از سیاست محتاطانه و دورنگرانه وزیرمختار آلمان فراتر رفت و از آن پیشی گرفت. رویس وزیرمختار آلمان، اگرچه نتیجه نادرست آن تحولات را پیش‌بینی می‌کرد، نمی‌توانست نظریاتش را، درباره آماده ساختن تدریجی ایران، به کرسی بنشانند. در نتیجه کار به جایی کشید که اگرچه روس‌ها و انگلیسی‌ها موضع محکم خود را در مرکز ایران از دست دادند، اما پیروزی موقتی آلمان، شعله مهیبی شد که در کومه‌ای از کاه درگرفت و زود فروکشید و چون به سبب بسته بودن راه بالکان یک هسته نظامی و سایر تجهیزات لازم وجود نداشت، پیروزی موقتی آلمان نتوانست ادامه داشته باشد. سیاست نزدیک شدن دولت ایران به آلمان، موضوع شرکت ایران را در جنگ به میان می‌آورد. ایران حداقل توانایی‌های خود را به میان می‌آورد، اما در عوض حداکثر امکانات را، به صورت گرفتن تعهد کمک‌های مالی و نظامی از آلمان طلب می‌کرد. در این بین، چون احتمال گشوده شدن راه بالکان می‌رفت، بنابراین دولت رایش از لحاظ وضعیت کلی جنگ شدیداً به تحولات ایران علاقه‌مند گردید و نتیجه این عطف توجه، همکاری آلمان و عثمانی بود. گماشته شدن گولتس به سمت فرمانده کل قشون عراق و ایران، نشانه‌ای از هم‌کاری آن دو کشور در ایران بود.

اثرات تدارکات و امکانات مأموریت گولتس، که از هم‌آهنگی کوشش‌های آلمان و عثمانی سرچشمه می‌گرفت، باید ظرف چند ماه ظاهر می‌شد، اما آن تدارکات و امکانات به زودی تحت الشعاع فعالیت‌های جاسوس‌های آلمانی، به ویژه تحت الشعاع محافل ملی‌گرای ایران، قرار گرفت که بر اثر فعالیت‌های کانیتس به هیجان آمده بودند. پیش از این گفتیم تلاش‌های کانیتس صرف سپردن تعهدهای غیرقابل اجرا، در قبال شرکت ایران در جنگ، می‌شد.

اختلاف آشکار میان تعهدهای غیرقابل اجرا و پشتی‌بانی‌هایی که می‌توانست قابل اجرا باشد، این نتیجه را داد که شاه و دولت ایران گرچه آماده شده بودند پای‌تخت را به نقطه‌ای مصون از فشار روسیه و انگلیس انتقال دهند، در آخرین لحظه از اجرای این نقشه خودداری ورزیدند. ایرانیان به حق اعتقاد داشتند بدون پشتی‌بانی کافی نباید برای حفظ منافع دیگران تن به ماجراهای نامعلوم داد. با شرحی که رفت، انتظار قیام همگانی در ایران برآورده نشد. اگر برخی از وکیل‌های مجلس شورا، بسیاری از ملیون، و بخشی از ژاندارمری، به امید هم‌کاری شاه و دولت در مهاجرت تدارک دیده شده در سفارت آلمان شرکت کردند، به سبب این بود که گمان می‌کردند تجهیزاتی که آلمان تعهد کرده بود در راه است و به زودی به دست آن‌ها می‌رسد. چون این امید به ناامیدی گرایید، سیاست آلمان در ایران با بدگمانی عمومی روبه‌رو گردید و این تصور پدید آمد که دادن آن قول و قرارها، صرفاً برای فریفتن ایرانیان بوده است.

با آن‌که این انتقادات وارد است، باید اذعان کرد پس از کنار رفتن کنت کانیتس، به عنوان عامل تعیین‌کننده در سفارت آلمان، اقدام‌های بعدی، به ندرت از بی‌وجدانی تصمیم‌گیرندگان آن سرچشمه گرفته بود. این اقدام‌ها از آن رو به مرحله عمل درمی‌آمد که مجریان می‌خواستند با سپردن تعهدات، دولت رایش را در برابر عمل انجام شده قرار دهند تا آلمان ناچار باشد با اجرای به موقع تعهدات، دورنمای پیروزی آن‌ها را فراهم آورد. این که تعهدات گوناگون رایش، بسته بودن راه بالکان، دراز بودن و دشوار بودن راه فرستادن تدارکات، به عنوان عامل‌های محدودکننده پیروزی، هیچ‌گاه مورد ارزیابی قرار نگرفتند، از واقع‌بین نبودن بازی‌گردانان آن صحنه‌ها حکایت می‌کند و نشان می‌دهد آن‌ها نمی‌دانسته‌اند که تنها با دامن زدن به شور و هیجان، یا با به‌کار گرفتن حداکثر توانایی‌های شخصی، نمی‌توان آن دشواری‌ها را حل کرد.

سواران عشایر، که با پخش مبلغ‌های هنگفت از سوی کانیتس، حاضر به

شرکت در عملیات دفاعی جبهه غرب شده بودند، به سبب اجرا نشدن تعهدات آلمان، و نیز بر اثر یورش روس‌ها، با شکست روبه‌رو شدند. به این ترتیب از ایلات و عشایر سلب امید می‌شد. از سوی دیگر، نقشه روس، برپایه پنهان‌کاری و پنهان‌سازی عملیات، شکست خورد؛ چه همان‌گونه که گفتیم، مأموران آلمان به رغم آن نقشه، به چنان تحریک‌های آشکاری دست زدند که نگرانی شدید روس‌ها و انگلیسی‌ها را برانگیختند. در نتیجه آن دو کشور زود دست به کار شدند و با اقدام‌های متقابل، موقعیت مسلط خود را استوار ساختند.

رویس درباره همه این نکات، به وزارت خارجه آلمان هشدار داده بود، اما گوش هیچ کس بدهکار حرف‌های او نبود. سرانجام مقامات وزارت خارجه، که از او دل‌چرکین شده بودند، او را برکنار کردند. البته باید یادآور شد که گرچه اقدام‌های افراطی مأموران آلمان سبب دگرگون شدن و به هم ریختن نقشه‌های آلمان گردید، اما آن اقدام‌ها پی‌آمدهای پیروزمندانه‌ای داشت، زیرا با افزایش اقدام‌های مأموران آلمانی در نقطه‌ای از ایران، روس‌ها و انگلیسی‌ها نیز ناگزیر می‌شدند که سپاه خود را در آن نقطه افزایش دهند. در نتیجه سایر جبهه‌های آنان ضعیف می‌گردید. البته این حالت همیشه به این صورت نبود، زیرا همان تحریک‌ها سبب شد جناحی از ارتش عثمانی که به سبب بی‌طرفی ایران، کسی تا آن وقت کاری به آن نداشت، از غرب ایران عملیاتی را آغاز کند. با یورش سپاه روسیه به کرمانشاه، به آن نتایج موفقیت‌آمیز آسیب وارد آمد.

یکی از نتایج یورش روس‌ها به باختر ایران، بریدن رشته ارتباط آلمانی‌های مستقر در جنوب و خاور ایران، و سرانجام دست‌گیری و نابودی ایشان بود. تنها واسموس بود که با بهره‌مندی از اوضاع و احوال، و به کمک اعتماد به نفس فراوان، توانست ناممکن را ممکن کند و سه سال تمام با کمک یاران تنگستانی‌اش، راه ارتباط بوشهر - شیراز را بسته نگاه دارد.

با شکست کوشش‌های آلمان در ایران، امید رسیدن به پیروزی در

افغانستان برباد رفت و آلمانی‌هایی که به آن کشور رفته بودند، تصمیم بازگشت گرفتند.

عقب‌نشینی آلمانی‌ها از ایران زود انجام گرفت، طوری که نتوانستند میراث مأموریت گولتس را به طرز مؤثر، و در وقت مناسب، تصاحب کنند. باید یادآوری کنیم که گولتس در آغاز در رأس گروهی از عثمانی‌ها قرار گرفت که باید برای تغییر وضع خطرناک جبهه‌ها وارد کار می‌شدند. آلمان نمی‌توانست بدون همکاری عثمانی‌ها در آن نقاط به موفقیت دست یابد. البته فلد مارشال آلمانی، با همان نیروی ناکافی، جناح خاوری جبهه‌های بین‌النهرین را از خطر رهانند، اما محاصره کوت‌العماره و مرگ گولتس، همه نقشه‌های مربوط به نظم نوین در عملیات ایران را از میان برد؛ آن هم عملیاتی که می‌بایست برپایه همکاری آلمان و عثمانی، و تشکیل یک ارتش منظم ایرانی انجام می‌گرفت. مرگ گولتس، در از میان رفتن نقشه آن عملیات مؤثر بود، اما افسران آلمانی که تازه از گرد راه رسیده بودند، گذشته از آن‌که میان خود درگیری داشتند، توانایی سازگاری با محیط تازه را نداشتند و این عامل نیز مزید بر علت بود و در نابودی نقشه نوین عملیات مربوط به ایران، تأثیر داشت.

برگماشتن خلیل‌پاشای تُرک، به جانشینی گولتس، که آلمانی‌ها و عثمانی‌ها به او احترام می‌گذاشتند، و از دست رفتن سایر نواحی تصرف شده ایران به دست عثمانی‌ها، این پرسش را به میان آورد که عملیات در ایران ادامه یابد یا نه. و دیگر این که ادامه آن چه‌گونه باشد. خلیل‌پاشا در عین حال که مظهر کاملی از ملی‌گرایی تُرکی و نشانه‌ای از حس اعتماد به نفس آنان بود، نمی‌توانست مانند گولتس اعتماد هر دو طرف را جلب کند. او روی هم رفته شخصیت ممتازی نداشت و برگماشته شدنش، متأثر از ادعاهای رهبری عثمانی‌ها بود، که البته آن ادعا پیش از برگماشته شدن خلیل‌پاشا، در مواردی بروز کرده بود. مسلماً این ادعا با عملیات یک‌سویه آلمان در ایران، تعارض داشت. سرانجام این پرسش نیز به میان آمد که آیا ایرانی که اکنون به دست

دشمنانش افتاده، این ارزش را دارد که برای رهایی‌اش مایهٔ زیادی گذاشته شود؟

به رغم نظر محافل نظامی آلمان، که با تضعیف موقعیت نظامی عثمانی در عراق مخالفت داشتند، سرانجام آلمان و عثمانی مصمم شدند از عملیات دوباره در ایران دست برندارند. آنچه سبب تشویق عثمانی‌ها در این کار بود، همان اندیشه‌های تجاوزکارانه‌ای بود که می‌خواست در زیر لوای اتحاد اسلام، امپراتوری‌ای بر بنیاد پان‌تورانیسم تشکیل دهد. آنچه آلمانی‌ها را در این کار تشویق می‌کرد، همان امید دیرینهٔ نفوذ در افغانستان و هند و حفظ اعتبار آلمان در ایران پس از جنگ بود.

دنباله‌روی آلمان از سیاست نظامی عثمانی، در فعالیت‌های تازه، کش‌مکش‌های دو طرف را در پی داشت، زیرا برخی از عثمانی‌ها اکنون در صدد خالی کردن عقده‌هایی بودند که از آلمانی‌ها داشتند، زیرا آلمانی‌ها پیش از آن سیاستی مستقل در ایران در پیش گرفته بودند و حاضر نبودند پول راتنهایی بپردازند، اما شریک درجهٔ دو به حساب بی‌آیند. سرانجام شکاف میان ایرانیان و دشمنی‌های پنهانی که میان ایشان بود، صحنهٔ کش‌مکش را پرماجرتر ساخت. اگر با توجه به اوضاع و احوال، آلمانی‌ها از نظر نظامی عقب می‌ماندند و زیر دست عثمانی‌ها می‌شدند، معلوم نبود که در زمینهٔ سیاسی نیز همین وضع را داشته باشند. به هر حال مخالفت آلمانی‌ها با هدف‌های عثمانی‌ها، به نظر پرهیزناپذیر می‌رسید. از سویی اختلاف‌های میان نمایندگان آلمان و عثمانی، نادرلنی و فوزی‌بیگ، در نظر ایرانیان مهاجر، نشانه‌ای از همین درگیری‌های مادون و مافوق جلوه می‌کرد، زیرا نادرلنی به عنوان کسی که از آغاز جنگ، به عنوان شخصیتی تعیین‌کننده در سیاست آلمان در ایران و طرف‌دار عملیات مستقل آلمان در این کشور شناخته شده بود، به هیچ روی آمادهٔ دست برداشتن از نظراتش نبود. به ویژه هنگامی که تحریک‌های ضد آلمانی فوزی‌بیگ و دسیسه‌بازی او ادامهٔ هم‌کاری را ناممکن ساخت، او در نظریات خود بیش‌تر پابرجا گردید.

در چنین اوضاع و احوالی، نظم تازه و بازسازی دوبارهٔ سیاست آلمان در ایران مطرح شد و ناهنجاری آن اوضاع، زمانی شدت یافت که عثمانی‌ها با آن‌که جبهه‌های عراق در وضع خطرناکی بود، دوباره به ایران یورش آوردند. اما یورش آن‌ها باعث شد بخش زیادی از خاک ایران به دست روس‌ها بیفتد. کوشش‌های نادرلنی برای تشکیل یک دولت نمونه در ایران، ثمرات ارزنده‌ای به بار آورد، زیرا آلمانی‌ها برای نخستین‌بار توانستند با اتحاد عقیده با یک‌دیگر، در ایران دست به کار شوند. لیکن همهٔ این کوشش‌ها با مخالف‌خوانی‌های فوزی‌بیگ، و احساس تحت‌قیمومیت قرار گرفتن ایرانیان، دشواری‌هایی نیز به بار آورد. این دشواری‌ها بیش‌تر از آن‌جا ناشی می‌شد که ایرانیان نتوانستند سرانجام آلمانی‌ها را وادار به انجام تعهدات خود نمایند. با وصف این، با حملهٔ دوبارهٔ انگلیسی‌ها به بغداد، همه این مسایل از بین رفت و چون بر اثر حملهٔ انگلیسی‌ها راه بازگشت به ایران بسته گردید، بنابراین تخلیهٔ دوباره و اجباری ایران بیش از پیش ضروری گردید.

کم‌بود پستی‌بانی نظامی، و به عبارت دیگر حفظ جبههٔ بین‌النهرین، دلیل ناکامی عملیات در ایران شدند. نخستین کوشش آلمانی‌ها، بر اثر شکست زودرس، با مأموریت گولتس ناتمام ماند و آلمانی‌ها از استعفای تزار و تغییر موقعیت نظامی روس‌ها تحت تأثیر آن روی داد استفاده نکردند. نقشه‌های عثمانی، که آلمانی‌ها از آن پستی‌بانی می‌کردند، برای تصرف دوبارهٔ بغداد و هدف بعدی لودندورف برای دست زدن به عملیاتی در ایران و افغانستان و هند، از راه گرجستان، بیش از عملیات قبلی، از محدودهٔ توانایی نظامی آلمان و عثمانی بیرون بود، چرا که هر دو طرف در طول سال‌ها جنگ، بنیهٔ خود را از دست داده بودند؛ گویا این‌که دربارهٔ هدف‌های سیاسی نیز اتفاق نظر نداشتند. شکست دولت‌های مرکز روی همهٔ نقشه‌هایی که اساس آن‌ها بر روی آوردن به جهان اسلام و کاستن از بار جنگ در میدان‌های نبرد اروپا بود، خط باطل کشید.

اگر به این نکته توجه کنیم که در همهٔ عملیات آلمانی‌ها کم‌تر از یک صد

می‌پذیرفتند عثمانی‌ها زمانی هدف‌های ایشان را محترم خواهند شمرد که خود نیز برای هدف عثمانی‌ها احترام قایل شوند، حتماً به این نتیجه می‌رسیدند که فعالیت آلمان در کشورهای خاوری عثمانی، بدون پشتی‌بانی عثمانی‌ها، راه به جایی نمی‌برد. از سویی باید توجه داشت که کوشش‌های آلمان در ایران، در آغاز کار، خشم عثمانی‌ها را به اندازه کافی برانگیخته بود و از سوی دیگر یک‌دندگی عثمانی‌ها در هدف‌های خود، هدف‌هایی که با نقشه‌های جنگی دو طرف مطابقت نداشت و موجب به میدان آمدن نیروهای مخالف می‌شد، امکان هرگونه توافق با آلمانی‌ها را منتفی می‌کرد و از فرصت هم‌کاری دو کشور می‌کاست. خلاصه آن‌که اگرچه عملیات دو کشور نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و آشنایی قبلی با اوضاع و احوال آن مناطق داشت، نه عثمانی‌ها و نه آلمانی‌ها به این نکته توجه نکردند؛ زیرا انورپاشا و سایر مقام‌های عثمانی در اندیشه پیاده کرده پان‌تورانیسم خود بودند و آلمانی‌ها با نقصانی که در مورد کارهای مقدماتی در زمینه‌های سیاسی و نظامی و شناخت محیط در ایران و افغانستان داشتند، موجبات شکست عملیات خود را فراهم آوردند؛ وگرنه بدون تردید زمینه‌های یادشده، عامل مهمی در رابطه با یک برنامه‌ریزی دقیق به حساب می‌آمدند.

شگفت‌آور آن‌که در نوشته‌های خارجیان، با این نظر روبه‌رو می‌شویم که گویا عملیات جنگی آلمانی‌ها در شرق و در هند، از مدت‌ها قبل آماده شده و جزئی از به اصطلاح برنامه «پیش‌روی به شرق» بوده که در ستاد ارتش آلمان طراحی شده است. مثلاً سر هیو بارنز<sup>۱</sup> که از ۱۹۱۶ در ایران به عنوان مدیر بانک شاهنشاهی کار می‌کرد، در انتهای نطق سرپرسی سایکس که در دسامبر ۱۹۳۰ تحت عنوان «ایران و جنگ بزرگ» ایراد شد، به این نتیجه رسید که «عملیات آنان [آلمانی‌ها] بسیار ناگهانی و فراگیر، و به نحو احسن متمرکز بود، به طوری که مشکل بتوان مسئله آمادگی قبل از جنگ آنان را

آلمانی شرکت کرده بودند، می‌توان نتیجه گرفت که هدف ثانوی ایجاد نگرانی برای روسیه و انگلیس در آن منطقه، با این تعداد نیروی نظامی پراکنده و اندک، خواب و خیالی بیش نبوده است. هرچه نیرو اندک بود، امکانات مالی بسیار بود. پول‌هایی که آلمان در این کشور خرج کرد، حساب و کتاب دقیقی ندارند، زیرا عده بسیاری از مقام‌هایی که پول‌ها را به مصرف رسانیده‌اند، سرنوشت نامعلومی دارند. با وصف این، یکی از بازی‌گردانان آن صحنه، زایلر، که بعدها به مقام کنسولی رسید، براساس اسناد وزارت خارجه آلمان، مقدار آن پول‌ها را مبلغی افزون بر ۵۰ میلیون مارک تخمین زده است. از این مبلغ ۲۵ میلیون مارک به صورت طلا و ۸ میلیون مارک به صورت نقره، از آلمان خارج شده بود.

به هدف‌های بعدی که عامل تعیین‌کننده‌ای در جنگ به شمار نمی‌آمد، اما می‌توانست در سیر جنگ تأثیر داشته باشد، دست نیافتیم، به این علت که آلمان از آغاز برای دست زدن به عملیات، حداقل شرایط را هم نداشت و همان‌طور که پیش از این گفتیم، نبودن راه ارتباطی، عدم امکان تشکیل یک هسته نظامی، که عامل مهمی بود، مانع از آن بود که جهان اسلام برای آلمان قابل استفاده باشد. نبودن کارشناسان خبره و آگاه به اوضاع و احوال واقعی سیاسی - نظامی منطقه نیز در شکست آلمان اهمیت بسیار داشت. بدون وجود این کارشناسان در برلین و در سایر ارگان‌های اجرایی، هر کار برنامه‌ریزی شده و منطقی‌ای، بی‌فایده بود. از این گذشته، مقام‌هایی که مسئولیت‌های سیاسی و نظامی داشتند و پیوسته علیه یک‌دیگر کار می‌کردند و پیرو دیدگاه‌های متفاوتی بودند، در شکست عملیات بی‌تأثیر نبودند. ادعای مقام زعامت جهان اسلام از سوی عثمانی‌ها، که هیچ‌گاه از ناحیه آلمانی‌ها به رسمیت شناخته نشد، و پافشاری هر دو طرف روی هدف‌های خود در کشورهای خاور عثمانی، برقراری تعادل در آن منطقه را، برخلاف جاهای دیگر، ناممکن می‌ساخت. سرانجام، فعالیت‌هایی که یک‌دیگر را نقض می‌کردند، کم‌ترین فرصت پیروزی را از آن دو متحد گرفت. اگر آلمانی‌ها

1. Sir Hugh Barnes

انکار کرد.»

اما این چیزی است که همان طوری که این تحقیق و بررسی نشان داد، نمی تواند واقعیت داشته باشد و هیچ کار مقدماتی ای از پیش انجام نگرفته بود که بتوان هنگام آغاز جنگ، بر مبنای آن عملیاتی انجام داد، بلکه برعکس حتی نتایج سیاسی - نظامی سیاست آلمان در مورد خط آهن بغداد و گسیل گروه لیمان - فون ساندرز هم هنگام شروع جنگ، مد نظر قرار نگرفت و هرگاه عملیاتی هدف دار در آن سوی عثمانی برای دشمن غیر مترقبه (و یا ظاهراً آن طور که به نظر می رسد از پیش طرح شده) انجام شد، این عملیات به هیچ وجه ناشی از یک برنامه طرح ریزی شده دقیق نبود، بلکه صرفاً بر مبنای نیروی فعال پاره ای بازیگر هنرمند صورت گرفت که با هدف یابی شخصی خود سعی نمودند فقدان برنامه از پیش طرح ریزی شده و هدایت آن را جبران کنند. اما به سبب عدم دورنگری و در نظر نگرفتن محدوده های واقعیت، نتوانستند با وحدتی که وجود آن لازم بود، به نحو احسن به کار گرفته شوند.



## فهرست اعلام

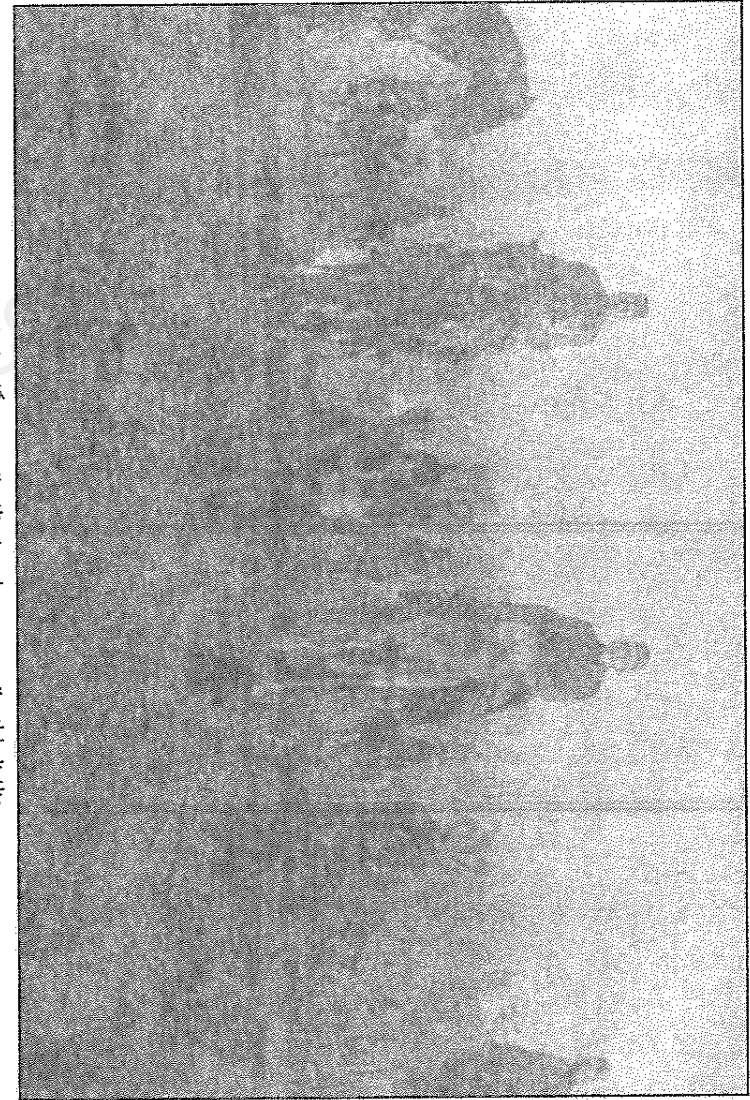




۲۵۰ تا ۲۵۲، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۴ تا  
 ۳۰۰، ۳۰۳ تا ۳۱۸، ۳۲۱، ۳۲۳ تا ۳۳۵،  
 ۳۳۸ تا ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۴۷، ۳۴۹ تا ۳۵۱،  
 ۳۵۵ تا ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۷ تا ۴۰۰،  
 ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۷ تا ۴۷۸،  
 آلمانی: ۱۹، ۲۵، ۲۷، ۳۶ تا ۳۸، ۶۸، ۶۹،  
 ۷۱، ۷۲، ۸۰، ۸۷، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۰۹ تا  
 ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۲،  
 ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۲، ۱۵۳،  
 ۱۵۵، ۱۶۴، ۱۷۲، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۹۰، ۲۰۱،  
 ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۴، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۷،  
 ۲۲۹، ۲۳۷، ۲۵۵ تا ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۶۶،  
 ۲۶۹، ۲۷۱ تا ۲۷۴، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۶،  
 ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۶،  
 ۳۱۷، ۳۲۱، ۳۳۱، ۳۳۳ تا ۳۳۵، ۳۴۳ تا  
 ۳۴۶، ۳۵۱، ۳۵۵، ۳۵۷ تا ۳۶۱، ۳۶۷،  
 ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۳ تا ۳۸۱، ۳۸۳ تا ۳۸۷،  
 ۳۹۴، ۳۹۹، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۱۴، ۴۱۷ تا  
 ۴۱۹، ۴۲۶ تا ۴۳۲، ۴۳۷، ۴۴۰، ۴۴۵،  
 ۴۵۰، ۴۵۲، ۴۵۵ تا ۴۶۱، ۴۶۴ تا ۴۶۹،  
 ۴۷۳، ۴۷۶،  
 آلمانی‌ها: ۱۹، ۲۵، ۳۶، ۳۸، ۶۰، ۷۲، ۷۳،  
 ۸۰، ۸۳، ۸۶، ۸۷، ۹۰، ۹۰، ۱۰۲، ۱۰۷ تا  
 ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۰،  
 ۱۳۱، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۲،  
 ۱۵۵ تا ۱۸۸، ۱۸۲، ۱۹۰ تا ۱۹۷،  
 ۲۰۴ تا ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۶ تا  
 ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۵

T

آبادان: ۷۳، ۷۴، ۱۶۴، ۲۰۱،  
 آبادان، پالایش‌گاه: ۱۶۴،  
 آبیاده: ۲۴۳،  
 آثار باستانی: ۱۱۲،  
 آذربایجان: ۴۸، ۵۱، ۵۲، ۵۷ تا ۶۱، ۷۶،  
 ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۶، ۹۰، ۹۳ تا ۹۶، ۹۹،  
 ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۲۸، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۵،  
 ۱۵۱، ۱۶۴، ۱۶۸ تا ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۷۷،  
 ۱۷۸، ۱۹۸ تا ۲۰۰، ۲۳۶، ۲۶۶، ۴۲۴،  
 ۴۶۳،  
 آرمان‌های ملی: ۱۷۲،  
 آسیا، قاره: ۲۰، ۳۷،  
 آسیای باختری: ۴۲۵،  
 آسیای جنوب غربی: ۱۵۹،  
 آسیای صغیر: ۱۲۵، ۱۵۹، ۴۲۴،  
 آسیای مرکزی: ۴۲۴، ۴۲۵،  
 آسیایی: ۲۰،  
 آشوری: ۱۱۲،  
 آقاخان محلاتی: ۲۵۷،  
 آقا کلباسی: ۲۴۲،  
 آلمان: ۱۷ تا ۲۱، ۲۳ تا ۲۶، ۳۱ تا ۳۹،  
 ۵۴، ۵۷، ۶۳، ۶۵ تا ۶۹، ۷۲ تا ۷۷، ۸۱،  
 ۸۳، ۸۶ تا ۸۹، ۹۲ تا ۹۷، ۱۰۰ تا ۱۰۵، ۱۰۹،  
 ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۵ تا ۱۲۳، ۱۲۶ تا ۱۵۷،  
 ۱۶۳، ۱۶۵ تا ۱۶۷، ۱۸۲ تا ۱۸۵، ۱۸۷ تا  
 ۱۹۲، ۱۹۴ تا ۲۰۵، ۲۰۹، ۲۱۲ تا ۲۱۹،  
 ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۳۱ تا ۲۳۴، ۲۴۲ تا



نظام‌السلطنه، ملتی، در محمد علی خان نظام ملتی، در روز گارو به حرکت.

اتریشی‌ها: ۶۰، ۳۴۷.  
 احتشام السلطنه: ۹۱، ۹۲، ۱۵۲، ۳۵۷، ۴۵۳.  
 احساسات آلمان دوستی: ۲۱۸.  
 احساسات مذهبی: ۴۸، ۲۸۵، ۲۸۹.  
 احساسات ملی: ۳۳۳، ۳۷۷.  
 احساسات ملی ایرانیان: ۲۱۷.  
 احساسات ملی گرایانه: ۱۹۵، ۲۱۴، ۲۷۱، ۳۸۹، ۳۸۲.  
 احساسات میهن پرستانه: ۸۸.  
 احساسات وطن پرستی: ۲۱۸.  
 احمدشاه: ۴۷، ۴۹، ۷۷، ۸۹، ۱۸۳، ۲۷۵، ۳۹۸.  
 اختر، حسین خان: ۹۱، ۹۲، ۱۵۷، ۲۲۱.  
 اداره کل خزانه داری: ۱۷۰.  
 ادوال: ۱۱۶، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۲۴، ۳۲۸، ۳۸۶.  
 ادیب السلطنه: ۴۰۷، ۴۰۸.  
 ارامنه: ۱۸۳.  
 اردمان: ۲۶، ۳۲۱.  
 ارزروم: ۵۸، ۳۳۵.  
 ارس، رود: ۳۲۶.  
 ارمنستان: ۲۱۵.  
 ارمنی: ۱۵۷، ۴۶۲.  
 ارمنی‌ها: ۵۸، ۶۱، ۹۷، ۱۳۶، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۱۹.  
 اروپا: ۲۰، ۳۵، ۳۷، ۴۳، ۴۹، ۵۱، ۵۹، ۶۵، ۷۶، ۷۸، ۸۳، ۸۷، ۱۵۶، ۲۰۱، ۲۳۶، ۲۹۰، ۳۵۲، ۳۵۸، ۴۰۴، ۴۲۵، ۴۳۷، ۴۶۶.  
 اروپایی: ۲۰، ۲۸، ۳۷، ۴۳، ۴۹، ۵۰، ۷۷، ۷۸، ۲۳۶، ۲۳۷.  
 اروپاییان: ۵۹، ۷۶، ۳۵۸.  
 ارومیه: ۶۱، ۹۳، ۹۶.  
 ارومیه، دریاچه: ۶۱، ۹۳، ۱۳۶.

۲۳۸ تا ۲۳۸، ۲۴۱ تا ۲۴۱، ۲۵۱ تا ۲۵۱، ۲۶۱ تا ۲۶۱، ۲۶۳ تا ۲۶۳، ۲۷۰ تا ۲۷۰، ۲۸۰ تا ۲۸۰، ۲۸۲ تا ۲۸۲، ۲۸۶ تا ۲۸۶، ۲۹۹ تا ۲۹۹، ۳۰۳ تا ۳۰۳، ۳۰۶ تا ۳۰۶، ۳۱۲ تا ۳۱۲، ۳۱۳ تا ۳۱۳، ۳۱۷ تا ۳۱۷، ۳۲۱ تا ۳۲۱، ۳۲۶ تا ۳۲۶، ۳۳۱ تا ۳۳۱، ۳۳۵ تا ۳۳۵، ۳۳۷ تا ۳۳۷، ۳۴۰ تا ۳۴۰، ۳۴۴ تا ۳۴۴، ۳۴۷ تا ۳۴۷، ۳۵۶ تا ۳۵۶، ۳۶۰ تا ۳۶۰، ۳۶۷ تا ۳۶۷، ۳۶۹ تا ۳۶۹، ۳۷۳ تا ۳۷۳، ۳۷۴ تا ۳۷۴، ۳۷۷ تا ۳۷۷، ۳۸۰ تا ۳۸۰، ۳۸۲ تا ۳۸۲، ۳۸۳ تا ۳۸۳، ۳۸۷ تا ۳۸۷، ۳۹۱ تا ۳۹۱، ۳۹۶ تا ۳۹۶، ۴۰۵ تا ۴۰۵، ۴۰۸ تا ۴۰۸، ۴۱۱ تا ۴۱۱، ۴۱۹ تا ۴۱۹، ۴۲۳ تا ۴۲۳، ۴۲۸ تا ۴۲۸، ۴۳۳ تا ۴۳۳، ۴۳۴ تا ۴۳۴، ۴۴۳ تا ۴۴۳، ۴۴۷ تا ۴۴۷، ۴۵۱ تا ۴۵۱، ۴۶۰ تا ۴۶۰، ۴۶۲ تا ۴۶۲، ۴۶۷ تا ۴۶۷، ۴۶۹ تا ۴۶۹، ۴۷۲ تا ۴۷۲، ۴۷۷ تا ۴۷۷.  
 آلمانی‌های مقیم ایران: ۲۲۳.  
 آمانوس، تونل: ۱۲۵.  
 آمستردام: ۱۹۴.  
 آناتولی، فلات: ۳۸.  
 آنگمان: ۳۲۸، ۳۴۲، ۳۴۸.  
 آوج: ۳۲۱، ۳۲۹، ۳۹۴، ۴۰۸.

**الف**  
 آب، رود: ۲۲۵.  
 ابرهارد، سرگرد: ۳۷۱.  
 اتحادیه مدافعین وطن: ۳۶۳، ۳۶۴.  
 اتر: ۱۸۲، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۵۹، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۹۶، ۳۹۸.  
 اتریش: ۶۰، ۹۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۸۲، ۱۹۰، ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۲۴ تا ۲۲۴، ۲۲۷ تا ۲۲۷، ۲۶۴ تا ۲۶۴، ۲۷۶ تا ۲۷۶، ۲۸۰ تا ۲۸۰، ۲۸۵ تا ۲۸۵، ۲۹۵ تا ۲۹۵، ۳۱۸ تا ۳۱۸، ۳۲۸ تا ۳۲۸، ۳۳۳ تا ۳۳۳، ۳۴۴ تا ۳۴۴، ۳۴۷ تا ۳۴۷، ۳۶۰ تا ۳۶۰، ۳۶۱ تا ۳۶۱، ۳۶۳ تا ۳۶۳، ۳۶۴ تا ۳۶۴، ۳۶۶ تا ۳۶۶.  
 اتریش - مجارستان، امپراتوری: ۶۸، ۷۶، ۹۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۷۷، ۱۸۲، ۲۸۰، ۲۸۱، ۳۲۸.  
 اتریشی: ۲۰۷، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۶۶، ۲۸۱، ۲۸۲ تا ۲۸۲، ۲۹۵ تا ۲۹۵، ۳۴۳ تا ۳۴۳، ۳۴۴ تا ۳۴۴، ۳۴۷ تا ۳۴۷، ۴۳۱ تا ۴۳۱، ۴۶۳ تا ۴۶۳.  
 اذربایجان: ۲۰، ۲۸، ۳۷، ۴۳، ۴۹، ۵۰، ۷۷، ۷۸، ۲۳۶، ۲۳۷.  
 اذربایجان: ۵۹، ۷۶، ۳۵۸.  
 ارومیه: ۶۱، ۹۳، ۹۶.  
 ارومیه، دریاچه: ۶۱، ۹۳، ۱۳۶.

اروند رود: ۹۳، ۱۱۱.  
 ازبکستان: ۲۲۴.  
 اسپانیا: ۴۵۶.  
 استانبول: ۳۲، ۶۸، ۷۰ تا ۷۰، ۸۰، ۸۸، ۸۹، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۲ تا ۱۲۲، ۱۲۵ تا ۱۲۵، ۱۲۸ تا ۱۲۸، ۱۳۰ تا ۱۳۰، ۱۵۷ تا ۱۵۷، ۱۶۰ تا ۱۶۰، ۱۷۲ تا ۱۷۲، ۱۷۳ تا ۱۷۳، ۱۷۷ تا ۱۷۷، ۱۷۸ تا ۱۷۸، ۱۸۰ تا ۱۸۰، ۱۹۲ تا ۱۹۲، ۲۰۱ تا ۲۰۱، ۲۲۰ تا ۲۲۰، ۲۲۲ تا ۲۲۲، ۲۳۵ تا ۲۳۵، ۲۳۹ تا ۲۳۹، ۲۶۶ تا ۲۶۶، ۲۷۴ تا ۲۷۴، ۲۷۷ تا ۲۷۷، ۲۷۹ تا ۲۷۹، ۲۸۶ تا ۲۸۶، ۲۹۱ تا ۲۹۱، ۲۹۴ تا ۲۹۴، ۲۹۵ تا ۲۹۵، ۳۵۷ تا ۳۵۷، ۴۰۷ تا ۴۰۷، ۴۱۲ تا ۴۱۲، ۴۱۴ تا ۴۱۴، ۴۱۶ تا ۴۱۶، ۴۲۲ تا ۴۲۲، ۴۲۵ تا ۴۲۵، ۴۳۹ تا ۴۳۹، ۴۴۳ تا ۴۴۳، ۴۴۶ تا ۴۴۶، ۴۴۷ تا ۴۴۷، ۴۵۲ تا ۴۵۲، ۴۵۳ تا ۴۵۳، ۴۶۳ تا ۴۶۳.  
 استرآباد: ۴۷.  
 استراتژیک: ۳۲.  
 استقراضی، بانک: ۵۲، ۱۲۶، ۲۱۸.  
 استکهلم: ۴۵۶، ۴۶۰.  
 اسدآباد: ۳۲۹.  
 اسکندر مقدونی: ۲۸۹.  
 اسناد انگلیسی درباره اختناق ایران، کتاب: ۳۴۰.  
 اشتراک دینی: ۷۷.  
 اشترن روپارت: ۲۳.  
 اشرف زاده، محمدخان: ۲۲۱.  
 اصغر خان شریف: ۲۷.  
 اصفهان: ۵۲، ۵۳، ۵۶، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۵ تا ۱۳۵، ۱۴۰ تا ۱۴۰، ۱۵۹ تا ۱۵۹، ۱۶۰ تا ۱۶۰، ۲۰۷ تا ۲۰۷، ۲۱۷ تا ۲۱۷، ۲۱۸ تا ۲۱۸، ۲۲۲ تا ۲۲۲، ۲۳۴ تا ۲۳۴، ۲۳۵ تا ۲۳۵، ۲۳۹ تا ۲۳۹، ۲۴۱ تا ۲۴۱، ۲۴۳ تا ۲۴۳، ۲۵۰ تا ۲۵۰، ۲۵۳ تا ۲۵۳، ۲۵۵ تا ۲۵۵، ۲۹۳ تا ۲۹۳، ۳۰۱ تا ۳۰۱، ۳۰۹ تا ۳۰۹، ۳۱۰ تا ۳۱۰، ۳۱۵ تا ۳۱۵، ۳۲۲ تا ۳۲۲، ۳۳۸ تا ۳۳۸، ۳۴۳ تا ۳۴۳، ۳۴۷ تا ۳۴۷، ۳۵۰ تا ۳۵۰، ۳۵۹ تا ۳۵۹، ۳۶۰ تا ۳۶۰، ۳۹۶ تا ۳۹۶، ۴۰۰ تا ۴۰۰، ۴۰۲ تا ۴۰۲، ۴۲۸ تا ۴۲۸، ۴۳۰ تا ۴۳۰.  
 اصل کوندوتیره: ۳۲۳.  
 اعلام جهاد: ۸۰.  
 افریقا: ۳۷، ۷۶.  
 افسران روسی: ۴۵.

افغانستان: ۲۵، ۳۲ تا ۳۲، ۳۵ تا ۳۵، ۶۳ تا ۶۳، ۶۹ تا ۶۹، ۷۳ تا ۷۳، ۷۴ تا ۷۴، ۷۹ تا ۷۹، ۸۳ تا ۸۳، ۸۶ تا ۸۶، ۸۸ تا ۸۸، ۹۳ تا ۹۳، ۱۰۷ تا ۱۰۷، ۱۱۲ تا ۱۱۲، ۱۱۸ تا ۱۱۸، ۱۲۱ تا ۱۲۱، ۱۲۸ تا ۱۲۸، ۱۳۳ تا ۱۳۳، ۱۳۶ تا ۱۳۶، ۱۴۱ تا ۱۴۱، ۱۴۷ تا ۱۴۷، ۱۵۰ تا ۱۵۰، ۱۵۱ تا ۱۵۱، ۱۵۳ تا ۱۵۳، ۱۶۰ تا ۱۶۰، ۱۶۳ تا ۱۶۳، ۱۷۲ تا ۱۷۲، ۱۷۴ تا ۱۷۴، ۱۷۸ تا ۱۷۸، ۱۸۰ تا ۱۸۰، ۱۹۱ تا ۱۹۱، ۱۹۳ تا ۱۹۳، ۱۹۸ تا ۱۹۸، ۲۰۴ تا ۲۰۴، ۲۰۷ تا ۲۰۷، ۲۱۷ تا ۲۱۷، ۲۲۳ تا ۲۲۳، ۲۲۵ تا ۲۲۵، ۲۲۳ تا ۲۲۳، ۲۲۴ تا ۲۲۴، ۲۲۵ تا ۲۲۵، ۲۴۹ تا ۲۴۹، ۲۵۰ تا ۲۵۰، ۲۵۳ تا ۲۵۳، ۲۵۶ تا ۲۵۶، ۲۷۳ تا ۲۷۳، ۲۷۴ تا ۲۷۴، ۲۸۱ تا ۲۸۱، ۲۸۴ تا ۲۸۴، ۲۸۸ تا ۲۸۸، ۲۹۳ تا ۲۹۳، ۲۹۴ تا ۲۹۴، ۳۴۵ تا ۳۴۵، ۳۵۹ تا ۳۵۹، ۳۷۷ تا ۳۷۷، ۳۷۹ تا ۳۷۹، ۳۸۲ تا ۳۸۲، ۳۸۵ تا ۳۸۵، ۳۹۰ تا ۳۹۰، ۳۹۹ تا ۳۹۹، ۴۱۱ تا ۴۱۱، ۴۲۳ تا ۴۲۳، ۴۲۴ تا ۴۲۴، ۴۲۸ تا ۴۲۸، ۴۳۱ تا ۴۳۱، ۴۳۴ تا ۴۳۴، ۴۴۶ تا ۴۴۶، ۴۵۹ تا ۴۵۹، ۴۶۲ تا ۴۶۲، ۴۶۶ تا ۴۶۶، ۴۷۰ تا ۴۷۰، ۴۷۲ تا ۴۷۲، ۴۷۵ تا ۴۷۵، ۴۷۷ تا ۴۷۷.  
 افغانی: ۳۲۳، ۳۲۴.  
 افغانی‌ها: ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۶۶.  
 الب، رود: ۳۸.  
 الیقانت: ۲۵۱.  
 امپریالیستی: ۶۷، ۱۹۹.  
 امپریالیسم: ۴۵۶، ۲۰.  
 امپریالیسم نوین: ۲۰.  
 امریکا: ۱۹، ۳۵، ۴۷، ۷۰، ۹۷، ۱۵۶، ۲۲۱، ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۳۹، ۴۵۶، ۴۶۶.  
 امریکایی: ۱۹، ۴۷.  
 امریکایی‌ها: ۱۹.  
 امیر افغانستان: ۶۹، ۴۳۱ تا ۴۳۱، ۴۳۴ تا ۴۳۴.  
 امیر جنگ: ۲۴۵.  
 امیر حبیب‌الله خان: ۴۳۱، ۴۳۳.  
 امیرحشمت: ۱۳۸، ۳۴۹، ۴۰۷.  
 امیرخیزی: ۲۲۰، ۴۰۷.  
 امیر مجاهد بختیاری: ۲۴۵، ۳۰۹، ۳۵۰.  
 امیر مفتخ: ۱۳۷، ۱۷۹.  
 انحلال مجلس: ۲۰۲.  
 اندونزی: ۷۶.  
 انزلی: ۴۸، ۱۲۳، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۸۱، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۳۰، ۲۳۰، ۲۴۷، ۲۷۵، ۳۰۷، ۳۱۰، ۳۲۹، ۳۲۹.







د

داردانیل: ۱۵۹، ۱۷۳، ۲۰۱، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۸۹، ۲۸۲.  
 داشکوف، ورونزو: ۱۰۳.  
 داغستان: ۱۶۵.  
 دجله، رود: ۱۲۶، ۱۴۲، ۱۶۱، ۱۶۷.  
 درانگ اشتدت: ۲۳.  
 درسدن: ۲۲، ۲۳۵.  
 دروفل: ۲۲، ۴۲۸، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۴.  
 دریابگی: ۳۴۰.  
 دزفول: ۱۴۲.  
 دشتستان: ۲۵۰، ۳۳۷، ۴۰۵.  
 دشتستانی: ۳۳۷.  
 دلوار: ۲۵۱، ۲۵۲، ۳۳۷.  
 دلی عباس: ۴۵۰.  
 دمشق: ۳۳، ۴۶۵.  
 دموکرات، حزب: ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۹۳، ۱۹۶، ۳۳۸.  
 دموکرات‌های ایران: ۲۲۱، ۴۴۵.  
 دموکرات‌های تهران: ۲۲۱، ۲۴۳.  
 دنسترویل: ۴۶۲.  
 دنیای اسلام: ۸۳.  
 دوسلدورف بن رات: ۲۲.  
 دوکرک: ۲۶.  
 دولت‌آباد: ۱۳۱، ۱۸۰، ۳۳۱، ۳۳۳، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۹، ۴۳۰.  
 دولت ایران: ۲۴.  
 دولت ملی: ۴۴۰.  
 دوماره: ۱۵۲، ۳۰۸.  
 دیپلماتیک: ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۳۰، ۲۹۱، ۲۹۲.  
 دیپلماسی: ۱۹.  
 دیکهوف: ۳۷۲.  
 دیلم، بندر: ۱۴۳.  
 دین مسیحی: ۵۸.

ر

رابرتز: ۱۶۶.  
 رأس‌العین: ۱۲۵.  
 رامهرمز: ۱۴۲.  
 راوندی، علی‌نقی: ۲۲۰.  
 رایت: ۳۳۲.  
 رایس: ۳۳۵.  
 رایش آلمان: ۱۵۲، ۲۵۵، ۲۶۴ تا ۲۶۷، ۲۷۲، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۹۰، ۲۹۱، ۳۰۴، ۳۴۱، ۳۶۳، ۳۶۵، ۳۵۹، ۴۵۹، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۶۶.  
 راینهارد: ۴۶۶.  
 رژیم مشروطه: ۴۷.  
 رشت: ۴۸، ۱۷۴، ۱۸۲، ۴۳۸.  
 رضا (ع)، امام: ۴۸.  
 رضاشاه پهلوی: ۲۸.  
 رکن‌زاده آدمیت: ۲۷.  
 رنکینگ: ۲۵۱.  
 روانسر: ۳۷۲.  
 روباتر: ۱۱۲.  
 روتردام: ۱۵۶.  
 روحانیون سنت‌گرا: ۱۹۶.  
 رودبار: ۳۴۵.  
 رودزبورگ: ۲۳.  
 روسفیل‌ها: ۳۲۸.  
 روس‌ها: ۲۴، ۲۲، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۴۴، ۴۷ تا ۶۱، ۶۷، ۷۶، ۷۷، ۸۰، ۸۳ تا ۸۸، ۹۱، ۹۳ تا ۱۰۴، ۱۱۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۸ تا ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۴، ۱۶۸ تا ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۹، ۱۹۳، ۱۹۸ تا ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۱۷ تا ۲۱۹، ۲۲۴، ۲۲۸ تا ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۹ تا ۲۶۲، ۲۶۵، ۲۶۸ تا ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۹۵، ۲۹۹ تا ۳۰۴، ۳۰۷ تا ۳۱۲، ۳۱۵ تا ۳۲۲، ۳۲۵ تا ۳۳۵، ۳۳۶ تا ۳۴۶.

۳۵۰، ۳۵۷، ۳۵۹ تا ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۶۷، ۳۷۰ تا ۳۷۲، ۳۷۸، ۳۸۴، ۳۹۴ تا ۴۰۰، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۲۹، ۴۰۸، ۴۰۳ تا ۴۵۰، ۴۳۸، ۴۳۷، ۴۳۰، ۴۲۹، ۴۵۰، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۶۲، ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۷۵.  
 روسی: ۲۵، ۲۷، ۳۳، ۳۴، ۴۵، ۴۸ تا ۵۳، ۵۶ تا ۵۹، ۶۱ تا ۷۵، ۷۷ تا ۸۴، ۸۶، ۹۴ تا ۹۹، ۱۰۲، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۶، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۴۵، ۱۶۹، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۸۱ تا ۱۸۳، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۲۴، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۶۱، ۲۶۸، ۲۷۵، ۲۹۲، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۷۱، ۳۸۳، ۳۹۷، ۴۰۱، ۴۵۱، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۱، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱،

ژ

ژابن: ۳۳.  
ژاندارمری: ۵۰، ۸۹، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۵، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۷۵، ۱۸۳، ۱۹۴ تا ۱۹۸، ۱۹۸، ۲۱۰، ۲۱۸، ۲۲۵، ۲۳۵، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۹، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۶ تا ۲۷۰، ۲۹۳، ۲۹۵، ۳۰۷ تا ۳۱۵، ۳۲۱ تا ۳۲۴، ۳۲۸، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۳۸ تا ۳۴۲، ۳۴۸ تا ۳۵۰، ۳۷۱، ۳۹۲، ۳۹۷، ۴۰۱ تا ۴۰۳، ۴۰۹، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۴۶، ۴۴۹ تا ۴۵۴، ۴۶۰، ۴۶۸ تا ۴۷۱.

ساخلوی ژاندارمری: ۲۶۱.  
ساخلوی نظامی: ۵۹، ۶۰، ۱۷۵.  
ساره: ۱۵۴، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۵۸، ۳۰۹، ۳۹۳، ۴۲۶.  
ساری قمیش: ۱۰۳.  
سازانف: ۵۵ تا ۵۷، ۸۲ تا ۸۵، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۶۰، ۱۸۲، ۲۲۹ تا ۲۳۱، ۳۰۴.  
ساسانیان: ۲۱۲.  
سالارالدوله: ۴۷، ۵۰، ۸۷ تا ۸۹، ۱۲۸.  
سالارلشکر: ۴۰۹.  
سامره: ۱۲۵، ۱۲۶، ۴۵۰.  
ساندرز: ۳۸، ۲۸۶، ۲۹۲، ۳۸۹، ۴۷۸.  
سانسور مطبوعات: ۱۸۲، ۲۰۲.  
ساروجلاغ: ۵۸، ۹۵، ۹۶، ۱۳۵، ۳۲۹.  
ساره: ۳۲۹.  
سایکس، پرسی: ۲۶، ۳۴۷، ۳۶۳، ۴۰۱ تا ۴۰۶، ۴۵۷، ۴۶۱، ۴۷۷.  
سایکس، مارک: ۲۷.  
سایکس، کریستوفر: ۲۷.  
سایکس - پیکو، قرارداد: ۲۷، ۴۰۱.  
سبزآباد: ۲۵۱.

سیاه عراق: ۴۵۰ تا ۴۵۵، ۴۷۰.  
سپهدار: ۲۲۸، ۳۱۷، ۳۹۵ تا ۳۹۹، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۳۸، ۴۶۳.  
سریاز ملّی: ۲۱۱.  
سرپل ذهاب: ۱۷۹، ۱۹۰، ۲۲۳، ۲۶۰.  
سردار احتشام: ۴۰۵.  
سردار اشجع: ۲۴۳.  
سردار جنگ بختیاری: ۱۴۲، ۲۴۵.  
سردار ظفر بختیاری: ۲۵۵، ۲۵۶، ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۴۷.  
سردار محتشم: ۲۱۸، ۲۴۵، ۲۴۹.  
سردار مسعود: ۲۴۵.  
سردار مقتدر: ۴۰۷، ۴۰۹.  
سردار نصرت: ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۴۷.  
سرزمین بسته، کتاب: ۲۴۱.  
سعدالدوله: ۱۸۲ تا ۱۸۴، ۲۰۲.  
سعداللهخان: ۲۲۱.  
سعیدآباد: ۳۴۷.  
سفلیس: ۲۴۵.  
سقز: ۱۳۶، ۴۰۸.  
سلاطین عثمانی: ۷۹.  
سلطانآباد: ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۷۴، ۱۸۰، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۰۷، ۲۴۷، ۳۰۸، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۴، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۵۰، ۳۶۲.  
سلطان بلاغ، ناحیه: ۳۲۱، ۳۹۹.  
سلطان عثمانی: ۷۸.  
سلیمان عسگری بیگ: ۱۲۸ تا ۱۳۰.  
سلیمان میرزا: ۱۹۶، ۳۲۲، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۶۰ تا ۳۶۴، ۳۸۶، ۳۸۷، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۳، ۴۳۱، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۵۷، ۴۶۱.  
سلیمانیه: ۳۹۴، ۴۵۰ تا ۴۵۴.  
سمیرم: ۴۲۹.  
سنجابی، ایل: ۱۲۹، ۱۴۰، ۱۷۷، ۱۷۹، ۲۶۰، ۳۷۱، ۴۵۱.  
سنجابی‌ها: ۱۳۹، ۲۰۵، ۲۶۰، ۳۷۱، ۴۳۰.

س

ش

سند، رود: ۴۶۶.  
سنقر: ۳۳۳.  
سندج: ۳۲۹، ۳۳۳، ۳۹۴، ۴۵۰.  
سواره نظام: ۲۲، ۱۵۴.  
سواره نظام هندی: ۳۳۸.  
سوسیالیست‌ها: ۴۵۶، ۴۵۷.  
سوشون، دریاسالار: ۷۵.  
سوگمایر: ۷۱، ۱۳۵، ۲۰۷، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۵۳ تا ۲۵۷، ۳۴۲ تا ۳۴۸.  
سوئد: ۵۰، ۶۹، ۸۹، ۱۱۲ تا ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۹۴، ۱۹۷، ۲۲۱، ۲۳۵، ۲۳۵، ۲۶۳، ۲۶۶، ۳۱۵، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۵۰، ۴۰۱، ۴۶۰، ۴۶۴، ۴۶۸.  
سوئدی: ۵۰، ۶۹، ۸۹، ۱۱۲ تا ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۹۴، ۱۹۷، ۲۲۱، ۲۳۵، ۲۳۵، ۲۶۳، ۲۶۶، ۳۱۵، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۵۰، ۴۰۱، ۴۶۰، ۴۶۴، ۴۶۸.  
سوئدی‌ها: ۳۳۵، ۳۵۰.  
سوئز، کانال: ۹۱، ۱۲۵، ۴۶۵.  
سوئیس: ۸۸، ۱۵۶، ۲۰۷، ۲۲۱، ۲۵۷، ۳۲۱، ۴۶۴.  
سوئیس: ۱۹۳، ۲۰۷، ۲۵۷، ۳۲۱، ۴۶۴.  
سیاست آلمان در ایران: ۲۶.  
سیاست اختناق آلود: ۶۵.  
سیاست پیشگان حرفه‌ای: ۱۹۹.  
سیاست تزاری: ۴۵۸، ۴۵۹.  
سیاست شرقی آلمان: ۱۷، ۲۰، ۳۲، ۳۳.  
سیاه، دریای: ۶۱، ۷۵.  
سیبری: ۲۲۵.  
سیدالعراقین: ۲۴۲.  
سید جلیل: ۴۰۷، ۴۳۵.  
سیستان: ۳۰۵، ۳۲۶.

شادگان: ۱۶۴.  
شاهزادگان روسی: ۳۳.  
شاهسون‌ها: ۲۶۱، ۲۶۹.  
شاه عبدالعظیم: ۳۱۵.  
شاهنشاهی، بانک: ۱۲۶، ۴۷۷.  
شاهی، بانک: ۱۸۲، ۳۴۰.  
شجاع‌الدوله، صمدخان: ۵۱، ۵۲، ۵۷، ۹۴ تا ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۲۸.  
شخطور: ۱۲۵.  
شرکت نفت انگلیس و ایران: ۵۲، ۷۳، ۷۴، ۱۱۱، ۱۳۶، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۶.  
شط العرب: ۷۳، ۹۳، ۱۱۱.  
شعبیه، منطقه: ۱۶۶.  
شمال، دریای: ۲۸۹.  
شورای سلطنت: ۳۹۸.  
شورای ملّی، مجلس: ۴۵، ۸۵، ۲۲۸، ۴۵۷.  
شورش همگانی: ۲۳۲.  
شوروی: ۱۶۰.  
شوستر، مورگان: ۴۷، ۴۸.  
شوکت بیگ: ۳۷۲، ۴۵۰.  
شونمان: ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۰، ۱۷۴، ۱۷۸، ۱۸۰، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۲۴، ۳۱۱، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۹، ۳۳۹، ۳۴۳، ۳۶۳.  
شیخ حسین تهرانی: ۴۰۷.  
شیخ حسین خان چاه‌کوتاهی: ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۵۱، ۳۳۷، ۳۴۰، ۴۰۵.  
شیخ خزعل: ۱۶۳، ۱۶۷، ۲۶۰.  
شیخ الاسلام: ۷۸.  
شیخ العراقین: ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۹۵.  
شیخ سعد، منطقه: ۱۴۲.  
شیخ غضبان، قبیله: ۱۶۳.  
شیخ قادر: ۱۶۵.

## ع

- شیراز: ۲۴، ۴۸، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۵۷، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲ تا ۲۱۶، ۲۴۷، ۲۵۰ تا ۲۵۲، ۲۹۳، ۳۰۱، ۳۰۹، ۳۳۷ تا ۳۴۱، ۳۴۳، ۳۴۶ تا ۳۴۸، ۴۰۱ تا ۴۰۶، ۴۲۹، ۴۷۲، شیمیان: ۱۱۲.
- صاحبقرانیه، کاخ: ۳۹۸.  
صحنه، شهر: ۳۲۱، ۱۸۰.  
صربستان: ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۷۳، ۲۷۳، ۳۰۲، ۳۰۷.  
صفاءالملک، مصطفی خان: ۱۵۷، ۴۱۶.  
صلاح الدین ایوبی: ۴۶۵.  
صلح طلبی: ۳۱.  
صمصام السلطنه: ۵۲، ۵۵، ۵۶، ۳۹۶.  
صمصام الممالک: ۱۷۹.  
صولت الدوله: ۲۱۰ تا ۲۱۴، ۲۴۶، ۲۴۹، ۴۰۵.
- ضد تشکیلیون، دستة: ۴۵۷.  
ضرغام السلطنه: ۲۱۸، ۲۴۴.
- طباطبایی، محمد صادق: ۳۴۹، ۳۶۳، ۳۶۴، ۴۱۴، ۴۱۶، ۴۲۲، ۴۳۹، ۴۴۴.  
طیس: ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۴.  
طلعت بیگ: ۸۹.  
طلعت پاشا: ۴۶۳.
- ظلی السلطان: ۵۲، ۲۴۳، ۳۹۵.

## ظ

## ع

- ۴۶۹، ۴۷۳ تا ۴۷۷، عدل الملک: ۴۵۷.  
عراق: ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۶۱، ۱۶۴، ۲۶۶، ۲۸۷ تا ۲۹۰، ۲۹۲ تا ۲۹۴، ۳۰۹، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۷۰، ۳۸۱، ۳۸۵، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۵، ۴۳۴، ۴۵۰ تا ۴۵۴، ۴۷۰، ۴۷۴، ۴۷۵.  
عراق عجم: ۳۳۲.  
عربستان: ۲۱۵، ۴۵۶.  
عرب‌ها: ۱۶۴ تا ۱۶۶، ۱۹۵، ۳۰۹.  
عز الممالک: ۴۰۷.  
عسکری بیگ: ۱۶۱، ۱۶۵ تا ۱۶۷.  
عشایر ایران: ۲۶۱، ۲۷۱.  
عشایر ایرانی: ۲۷۰.  
عشایر بلوچستان: ۲۵۷.  
عشایر بهارلو: ۳۴۴، ۳۴۵.  
عشایر ترکمن: ۴۶۲.  
عشایر غرب ایران: ۱۷۷.  
عشایر کلهر: ۳۷۱.  
عصر امپریالیسم: ۲۰.  
علاء، حسین: ۳۱۲.  
علاء السلطنه: ۵۹، ۴۵۷، ۴۵۸.  
علی (ع)، حضرت: ۷۹.  
علی احسان پاشا: ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۰۸، ۴۱۲، ۴۲۰، ۴۴۰، ۴۴۸ تا ۴۵۰.  
علی بیگ هم‌پا: ۴۲۶، ۴۴۳.  
علی قلی خان: ۳۴۲.  
عماره: ۱۶۳.  
عمّال دیوانی: ۲۵۳.  
عملیات ایلدرم: ۴۵۵.  
عناصر ملی - دموکرات: ۱۶۸.  
عناصر ملی گرا: ۱۹۶.  
عهدنامه قسطنطنیه: ۴۰۱.  
عین الدوله: ۱۷۰، ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۱۲، ۲۲۱، ۲۲۸ تا ۲۳۰، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۷۱، ۲۸۶، ۳۱۸، ۴۶۹، ۴۷۳ تا ۴۷۷.
- غالب بیگ: ۴۵۲.  
غلام رضاخان: ۱۴۲، ۳۰۹، ۳۲۰.
- فاتح زاده، محمود: ۱۴۷.  
فارس، استان: ۲۷، ۱۴۱، ۱۴۸، ۱۹۷، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۵۲، ۳۲۲، ۳۲۷ تا ۳۳۹، ۳۴۲، ۴۰۲، ۴۰۳.  
فارس، خلیج: ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۳، ۱۳۲، ۱۴۳، ۱۶۳، ۲۸۷، ۳۲۶، ۳۸۴، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۶۶.  
فارسی، خط: ۴۲۹.  
فارسی، زبان: ۲۷، ۲۸.  
فاستینگ: ۲۲، ۲۴۷، ۴۲۹.  
فالکته‌هاین: ۱۲۰، ۱۷۳، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۲۵، ۲۸۷، ۲۹۳ تا ۲۹۵، ۳۵۵، ۳۵۷، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۵، ۴۵۵.  
فتح الملک: ۳۴۲.  
فتوای جهاد: ۷۱، ۷۴، ۷۸.  
فرات، رود: ۳۸، ۱۲۵، ۴۶۶.  
فرانسه: ۲۴، ۳۲، ۳۸، ۶۷، ۷۶، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۸۲، ۳۰۲، ۳۲۷.  
فرانسه، زبان: ۲۴.  
فرانسوی‌ها: ۳۰۷.  
فرقة اسماعیلیه: ۲۵۷.  
فرمان آماده باش: ۱۸۳.  
فرمانفرما: ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۲۸ تا ۲۳۰، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۷، ۳۴۶، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۹۵، ۴۰۲، ۴۰۹.  
فرمانفرمایان: ۲۷.  
فریک: ۳۱۵، ۳۲۴.  
فغالیته‌های ملی گرایانه: ۲۱۷.  
فلاجیه: ۱۶۴.  
فلسطین: ۱۲۶، ۴۵۶.



